

یک حلقه از زنجیر کتابهای اتباع سنت و رد بدعت و کتاب عام فهم و آسان

# سُبُلُ السُّنَنِ كَمَا الْبُرُكَةُ



تألیف:

ابومعاویہ مولانا محمد ایاز صاحب

مترجم:

ابوالخلیل محب اللہ عمار بدخشانی



یک حلقہ از سیر کتابهای اربع سنت و ربیع و کتاب عام بزم و آسان

سبیل السنۃ

لربك البکاءة

تالیف: ابو معاویہ مولانا محمد ایاز صاحب  
مترجم: ابو الخلیل محمد محب اللہ عمار بدخشانی

ناشر

اشاعت اکیڈمی محلہ جنگلی پشاور



مشخصات کتاب



نام کتاب: سبیل السنة لرد البدعة  
نویسنده: ابومعاویه مولانا محمد آیاز صاحب  
مترجم و کمپوز: محمد محب الله عمار عفی عنه الغفار  
موبائل: 0344 – 9851128  
0300 – 5917318

نوبت چاپ: اول  
تعداد: ۱۰۰۰ جلد  
تاریخ اشاعت: ربیع الاول ۱۴۳۳ فروری ۲۰۱۱ م  
ناشر: اشاعت اکیڈمی اینڈ پرنٹنگ ایجنسی عبدالغنی  
پلازہ محلہ جنگی پشاور  
091-5515698, Mob: 0300-9391643

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است



## فهرست مضامین

- ٣ - - - - - مقدمه ◇
- ٦ - - - - - دلایل شرع - - - - - ◇
- ٩ - - - - - اهل سنت والجماعت کیست؟ - - - - - ◇
- ١٠ - - - - - دین ما کامل و مکمل است - - - - - ◇
- ١٥ - - - - - اهمیت و مقام سنت - - - - - ◇
- ١٧ - - - - - معیار محبت رسول الله ﷺ - - - - - ◇
- ١٨ - - - - - صحابه کرام و اتباع سنت - - - - - ◇
- ٢٠ - - - - - پیروی نبی اکرم ﷺ فرض است - - - - - ◇
- ٢٤ - - - - - صحیح مطلب از عمل نیک - - - - - ◇
- ٢٧ - - - - - واگذار پیروی پیغمبر ﷺ خلاف ایمان است - - - - - ◇
- ٢٩ - - - - - شرایط ایمان کامل - - - - - ◇
- ٣٢ - - - - - داستان یک منافق - - - - - ◇
- ٣٥ - - - - - پیروی پیغمبر ﷺ در فعل و ترک هر دو میباشد - - - - - ◇
- ٣٧ - - - - - پیروی از سنت صحابه کرام رضی الله عنهم - - - - - ◇
- ٤٢ - - - - - قباحت بدعت - - - - - ◇
- ٤٦ - - - - - معنی و مطلب بدعت - - - - - ◇
- ٥٢ - - - - - امتیاز میان فسق و بدعت - - - - - ◇
- ٥٤ - - - - - چند بدعات مشهور - - - - - ◇
- ٥٤ - - - - - در مراسم عروسی ◇
- ٥٥ - - - - - در وقع غم و مصیبت ◇
- ٥٦ - - - - - عام بدعات و رسومات مروجہ ◇



- ٥٨ ----- ◇ ذکر ودعا
- ٥٩ ----- ◇ ذکر بالجهر
- ٦٢ ----- ◇ دعا بعد از سنت به هیئت اجتماعی
- ٦٨ ----- ◇ حیلۀ اسقاط
- ◇ برقبرها غلاف واکلیل گل گذاشتن و چراغ و عنبر روشن کردن پخته کردن و برآنها گنبد جور کردن - ٧١
- ٧٣ ----- ◇ تجلیل عرس و میلاد
- ٧٧ ----- ◇ تعیین روز برای ایصال ثواب
- ٨١ ----- ◇ دعاء بعد از جنازه به هیئت اجتماعی
- ٨٣ ----- ◇ بدعت و خرافات ماه محرم
- ◇ چوری کردن در آخری چهارشنبه ماه صفر - ٩٠
- ٩٣ ----- ◇ بدعت طشت در رجب
- ٩٨ ----- ◇ بدعات شعبان
- ◇ عدم نقل دلیل عدم فعل است ----- ١٠٠
- ◇ فریضۀ ما ----- ١٠١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 وَرَبِّ الْعَالَمِينَ



### 32 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَكَفَى، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِ الرَّسُلِ وَخَاتَمِ الْاَنْبِيَاءِ وَعَلَىٰ اٰلِهِ  
 وَاَصْحَابِهِ الْاَتْقِيَاءِ. اَمَا بَعْدُ.

از روزیکه الله متعال انسان را آفرید و او را به دنیا فرستاد برای مرار زندگی وی قانون و آئین زندگی و دستور حیاتش را هم فرستاده، در قرآن کریم ارشاد باری تعالی است:  
**﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً﴾** [البقرة: ۳۰]

ترجمه: آنگاه که گفت (بطور اعلان) پروردگار تو بفرشتگان که من آفریننده ام در زمین خلیفه (حاکم و داور و نافذ کننده حکم خود)

یعنی الله متعال به دست خود سیدنا آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را بغرض خلیفه در دنیا آفرید، و تایک مدت محدودی در بهشت با همسر خود بی بی حواء عَلَيْهَا السَّلَامُ سکونت کرد، و سپس برای انجام مسئولیت بر دنیا فرستاده شد، و در آن زمان الله متعال برایش دستور حیات هم داد:

**﴿قُلْنَا اهْبِطْ اَمِّنْهَا جَمِیْعًا فَاَمَّا يٰۤاٰدَمُ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَبْتَغِ السُّلٰتِیْمَ فَاَنْتَ عَلٰی الْعِزَّةِ لَقِیْمٌ ۝۱۷۰﴾** [البقرة: ۳۸]

ترجمه: فرمودیم فرو روید از آنجا همه شما پس اگر بیاید بشما از من هدایت (کتاب، دستور حیات) پس هر که پیروی



کرد هدایت مرا نیست هیچ ترسی بر آنان و نه آنان اندوه  
خورند.

دیگر جاء نیز ارشاد است:

﴿يَبْقَىٰ أَدَمَ مَا أَيُّنَبِّئُكُمْ رَسُولٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَنَسِ  
الْقُلُوبِ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الاعراف: ٣٥]

ترجمه: ای فرزندان آدم! اگر ببینند بشما پیامبران از  
جنس شما میخوانند بر شما آیات مرا (بر آنها ایمان آرید  
و تقوی را اختیار کنید زیرا که) هر که پرهیزگاری کند و نیکو  
کاری نماید پس نیست هیچ ترس بر آنها و نه آنان اندوهگین  
میشوند.

مطلب اینکه هدایات و آیات خداوندی وقتاً فوقتاً ذریعۀ  
مختلف انبیاء گاهی بشکل صحیفه و گاهی بشکل کتاب میآمد  
تا اینکه به فرود آوردن آخری کتاب آسمانی الله تعالی مکمل  
نظام حیات را برای نوع بنی بشر نعمت گران بهای خود را به  
اتمام رسانید.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ  
لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ٣]

ترجمه: امروز کامل کردم برای شما دین شما را و تمام کردم  
بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را دین برای شما.  
و همرا با آن معلم و شارح اول جناب محمد عربی ص را  
هم فرستاد، چنانچه ارشاد باری تعالی است:



﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [آل عمران: ۱۶۴]

**ترجمه:** یقیناً نعمت فراوان داد الله بر مؤمنان آنگاه که فرستاد در میان آنها پیغامبری از جنس آنها میخواند بر آنها آیات الله را و پاک می سازد آنها را و می آموزاند آنها را کتاب و سنت یقیناً بودند پیش ازین در گمراهی آشکارا. نبی اکرم ﷺ ذریعه اسوه حسنه (عمل و سنت) خود تشریح و وضاحت قانونی الهی را برای مردم انجام داد.

اشاره بر بعثت نبوی ﷺ الله متعال چنین می فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴]

**ترجمه:** و فرود آوردیم بسوی تو ذکر (قرآن) تا بیان (تشریح و وضاحت) کنی برای مردمان شریعتی که فرود آورده شد بسوی آنها امید است که آنها تفکر کنند.

مرهنگامیکه دستور الهی برای راهنمایی نوع بشر از سوی الله متعال بشکل قرآن و سنت وجود دارد، پس لازم است برای ما که مطابق آن زندگی نمایم و نه مطابق قانون خود ساخته خویش، و همین است نام دین اسلام، بنیاد شریعت اسلامی بر چهار چیز گذاشته شده:



## دلایل شرع

(۱) قرآن (۲) سنت رسول الله ﷺ (احادیث صحیحہ) (۳) عمل صحابه کرام رضی اللہ عنہم. (۴) قیاس و اجتهاد سلف صالحین و ائمه مجتهدین در روشنی قرآن و سنت.

سپس اگر یک قول و فعل در این چهار اصول دین موجود باشد آن دین، و ثواب است، و بر آن عمل کار خوش عاقبت است چنانچه الله متعال میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹]

ترجمه: باین معنی که: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول و فرمانداران را اطاعت کنید، چون در امری کارتان به گفتگو و نزاع کشد، به حکم خدا و رسول باز گردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، این کار (رجوع به حکم خدا و رسول) برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش عاقبت تر است.

ابو عبدالله میمون بن مهران الحرومی یکی از فقهای تابعین است در تحت آیت (فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ) نوشته می کند که:

[الردالی الله الی کتابه و الردالی رسوله اذ اقبض الی سننه] (کتاب الباعث لرد

الحوادث: ۷)



مراد از باز گشت بسوی الله باز گشت بسوی قرآن است، و مراد از باز گشت بسوی رسول الله ﷺ بعد از وفات آن حضرت ﷺ باز گشت بسوی سنت اوست.

معلوم شد که مراد از پیروی الله پیروی قرآن است و مراد از پیروی رسول الله ﷺ پیروی از سنت وی می باشد، و مراد از اولوالامر دو آخر الذکر (یعنی صحابه کرام و سلف صالحین و ائمه مجتهدین) می باشند.

از مفسر قرآن عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما در تشریح اولوالامر چنین منقول است:

[یعنی اهل الفقه و الدین [الی ان قال] فاوجب الله طاعتهم] (مستدرک: ۱ / ۱۲۳)

که مراد از آنها اهل فقه و اهل دین (صحابه و ائمه مجتهدین) میباشد، (بعدا می فرماید) که الله پیروی از آنها را لازم فرموده است: عطاء بن رباح رضی الله عنه میفرماید:

[أُولُو الْعِلْمِ وَالْفِقْهِ] (دارمی: ۴۰)

مراد از اولوالامر اهل علم و اهل فقه (علماء) میباشد.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید:

[خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ] (بخاری و غیره)

بهترین مردم آنانی اند که هم قرن وهم زمان با من اند، (یعنی صحابه کرام) سپس آنانیکه در ردیف آنان قرار دارند، (تابعین) و سپس آنانیکه در ریف آنان اند، (تبع تابعین)



و دیگر روایت که از سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه مروی است که در آن ارشاد است که:

**[أَوْصِيكُمْ بِأَصْحَابِي ثُمَّ الَّذِينَ بَلَّوْهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ بَلَّوْهُمْ ثُمَّ يَفْشُوا الكَذِبَ]** [مستدرک: ۱ / ۱۱۴، ابوداؤد طیالسی: ۷]

وصیت میکنم شما را در باب یاران خود (که پیروی از آنها کنید) و باز در باب آنانی که در ردیف آنان قرار دارند، (تابعین) و باز در باب آنانی که در ردیف آنان قرار دارند (تبع تابعین) و پس ازین زمانه سه گانه دروغ فاش میشود.

و اگر یک کار و عمل از این چهار اصول ثابت نباشد، بلکه از نزد خود جور کرده شده باشد، آن دین نیست بلکه لادینی و گمراهی و بغاوت است، که خوداری از آن برای ما امر ضروری است.

الله تعالی میفرماید:

**﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾** [الانعام: ۱۵۴]

**ترجمه:** و پیروی مکنید راه های دیگر را (بغیر از قرآن و سنت و اولوالامر) که این راهها جدا کننده شما اند از راه الله.

و این است یک علاج مهم برای خوداری از گمراهی، زیرا که بسا مردم این چهار اصول را معیار نمیدانند، بنابر این میگویند سخن چه کسی را بپذیریم؟ و پیروی از کدام شخص کنیم؟ که بعضی یک مسئله، و بعضی دیگر مسئله بیان میکنند، و این گمراه مردم بجای معلوم نمودن دین خود ازین اصول چهار گانه پیروی از خواهشات، و پدران، اجداد، و از غیر



میکنند، و آنرا معیار حق میدانند، حالانکه قرآن کریم حال اینهارا چنین بیان میکند:

﴿وَإِذْ أُنزِلَ إِلَيْنَا مِنْ رَبِّكَ الْقُرْآنُ نَجْمًا مبینًا وَمَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ لِبَاءَةً أُلُوكًا لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [المائدة: ١٠٤]

ترجمه: و آنگاه گفته شود آنهارا بیائید بسوی آنچه فرود فرستاده است الله و بسوی پیغامبر گویند بس است مارا آنچه بر آن یافتیم پدران خود را و اگر چه پدران آنها هیچ نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند.

## اهل سنت و الجماعة کیست؟

به هر حال هر کار را به معیار شماریدن قرآن کریم و سنت، و عمل صحابه کرام و سلف صالحین و ائمه مجتهدین باید کرد، و این است منهج اهل سنت و الجماعة، متأسفانه در عصر فعلی هر مشرک و مبتدع و اسیر در حلقه رسومات هندوها هم خود را نسبت بر اهل سنت و الجماعة میکند در حالیکه از حقیقت اهل سنت به مسافت میلیها دور است، بلکه اهل سنت و الجماعة پیروی حقیقی سنت را گفته میشود.

شیخ عبدالقادر جیلانی رحمۃ اللہ علیہ اهل سنت را چنین تعریف کرده [فعلی المؤمن اتباع السنة و الجماعة فالسنة ما سن رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و الجماعة ما اتفق علیه الصحابة فی خلافة الائمة الاربعة] (غنیة الطالبین: ٢٩٥)

پیروی اهل سنت و الجماعة بر مؤمن امر لازم است، سنت آنرا گفته میشود که نبی اکرم ﷺ (قولا وفعلا تقریراً) مسنون قرار داده، و جماعت آن احکام را گفته میشود که در دوران خلفای اربعه صحابه کرام رضی الله عنهم اتفاق یافته باشد.

همچنین علامه سید سند علی بن محمد الجرجانی حنفی مینویسد: [اهل السنة والجماعة مذهبهم خال عن بدع هؤلاء] (شرح مواقف: ۷۶۴)

اهل سنت و الجماعة اطلاق بر گروهی میشود که مذهب شان از بدعات خالی باشد.

و این است تعریف اهل سنت و الجماعة که پایند بر سنت نبی اکرم ﷺ و صحابه کرام رضی الله عنهم، و خالی از هر قسم بدعات باشد، نه چنین که نام نهاد اهل سنت در حقیقت منشأ هر نوع بدعات باشد.

## دین ماکمل و مکمل است

دوم بنیادی و اساسی کلام این است که دین اسلام یک دین کامل و مکمل و جامع است، که در این گنجایش کاهش و افزونی نیست، الله و پیغمبرش تمام طریقه‌های زندگی را برای ما آموزانیدند، و آن دین است که در آن از پیدایش انسان الی رسیدن لحد (گور) تمام احکامات موجود است، برابر است که تعلق آن بر عقیده، و یا عبادات، و یا معاملات، و یا عادات



ومعاشرت ویا سیاست وریاست، ویا صلح و جنگ، ویا خوشنودی و اندوهگین باشد، الله متعال برای ما دین کامل عطا فرموده که در این هیچ کمی وجود ندارد که برای ما تمام نمودن آن، ویا از نزد خود چیزی جور کردن در آن اجازت ویا گنجایش داشته باشد.

اعلان کاملیت دین اسلام را الله متعال در موقع حجة الوداع ودر میدان عرفات برمحبوب خود در ضمن این آیت فرو آورد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ [المائدة: ۳]

ترجمه: امروز کامل کردم برای شما دین شما را .

وجامعیت این را ذریعه ﴿تَبَيَّنَّا الْإِسْلَامَ لَكَ﴾ (النحل: ۸۹) عرض نمود . با این معنی که: هریک مسئله دینی دارای دلایل واضح میباشد. از این دو ارشادات الهی ثابت شد جامعیت و کاملیت دین اسلام.

همچنین این هم یک حقیقت پذیرفته شده است که دین مجموعه از علم و عمل است، و علم و عمل عبارت اند از قرآن و سنت، سپس کاملیت و جامعیت دین جز این نیست که عمل و علم دین هم کامل و جامع باشند.

عمل (سنت) ازین جهت کامل و جامع است که عمل در روشانی آن علم قرآنی شده که سرچشمه اساسی این است که کاملیت آنرا نبی اکرم ﷺ بیان فرمودند:  
 از سیدنا علی رضی الله عنه روایت است که:



**[أما إني قد سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: "ألا إنها ستكون فتنة". فقلت ما المخرج منها يا رسول الله قال: "كتاب الله فيه نبأ ما كان قبلكم وخبر ما بعدكم وحكم ما بينكم] [مشكوة]**

من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می فرمودند: ای مردم! عنقریب است که فتنه بزرگ بر پا شود، من عرض کردم: ای رسول الله ﷺ! چیست ذریعه نجات از آن فتنه؟ ایشان فرمودند: کتاب الله متعال، زیرا که در این احوال اقوام تیر شده و اخبار آیندگان، و فیصله و حکم اختلافات شما موجود است. دیگر علت کاملیت و جامعیت عمل این است که سرچشمه عمل اسوه حسنه است که انجام دهنده آن شخصیت بزرگوار ذات نبوی ﷺ بودند.

**﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الاحزاب: ۲۱]**

**ترجمه:** یقیناً هست شمارا به پیغامبر الله پیروی نیک. علم (قرآن) بنابر همین جهت با این انداز کامل و جامع است، مرهنگامیکه عملی ذریعه آن علم انجام یافته کامل و جامع بوده باشد، چه فکر میکنید در باب اصل یعنی علم، آن لازماً کامل و جامع میباشد.

بعداً کاملیت و جامعیت دین دریک از علم و عمل موجود یافته نمیشود، که صرف عمل دینی کامل باشد و در علم چیز کمی کرده میشود، و یا صرف علم مکمل باشد و در عمل چیز کمی باقی مانده باشد، زیرا که چنین شده نمیتواند که قانون کامل باشد و از آن چیزیکه (عمل) پیدا شده ناقص و نا مکمل



باشد، یا بر عکس، بلکه یک تکمیل برای تکمیل دیگر لازم ملزوم اند.

چنانچه از ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها سوال شد در باب اخلاق نبی اکرم صلی الله علیه و آله، وی در پاسخ گفتند: [وَكَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ] یعنی اخلاق جناب شان قرآن بود، واین یک امر ظاهری است که اخلاق تعلق بر عمل دارد.

ازین جهت حاصل کلام چنین شد که در کتاب و سنت کدام دین کامل بشکل علمی موجود است، همه آنچیزها در ذات نبی اکرم صلی الله علیه و آله بشکل علمی موجود بودند، و کدام اخباریکه بشکل اصول و اقوال قرآن پیش میکند، تمام آنها در ذات نبی اکرم صلی الله علیه و آله بشکل اعمال افعال و احوال آشکار بودند.

حاصل اینست که اخبار قرآن اعمال نبی اکرم صلی الله علیه و آله اند، و اعمال نبی صلی الله علیه و آله اخبار قرآن اند، واین هر دو حقیقت با یکدیگر طور مطابقت دارند که نه عمل نبی اکرم صلی الله علیه و آله از قرآن به جزئی ترین درجه منحرف است و نه قرآن از عمل نبی اکرم صلی الله علیه و آله، ورنه از [وَكَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ] هیچ مطلب حاصل نمیشد.

لهدا بعد از قرآن برای هدایت نوع انسان ضرورت دیگر علم به نمونه جدید نیست که آن بشکل یک کتاب نوین ویا صحیفه نازل شود، همچنین بعد از اسوه حسنه نبی اکرم صلی الله علیه و آله نمونه یک عمل نوین را ضرورت نیست که برای آن کسی مبعوث شود، ویا از پیش خود بشکل اختراع وابتداع در دین، جور کند، زیرا که اگر درین دین بالفرض و المحال کاهش



و افزایش ممکن میبود، دیگر این را دین کامل و جامع نامیده نمیشد، در حالیکه قرآن و حدیث ادعای کاملیت این را دارند، و درین صورت پذیرفتن کاملیت دین در پذیرائی کاملیت علم و عقیده است، که همین است نام اخلاص و توحید، و نمونه عمل براین یعنی اسوه حسنه نبوی ﷺ هم بدون اندراج بدعات و رسومات و رواجها و بدون ایجاد اختراع مستقیماً عملاً پذیرفته شود، که همین است نام اتباع سنت، بنا بر جامعیت و کاملیت دین دو تقاضا پیش آمد: یکی اخلاص، و دیگر اتباع، توسط اخلاص لله عقیده و عمل خالص میشود بعینه همان طوری باقی می ماند که الله متعال برای پیغامبر خود فرود آورده بود، و توسط اتباع (پیروی سنت) عقیده و عمل دارای صواب میشوند و طبق همان نمونه می ماند که رسول الله ﷺ انجام دادند.

ظاهر است که همین دو اصل (توحید و سنت) ضامن بقاء و حفاظت و ضامن اصلاح و فلاح انسان شده میتوانند، و اگر در اینها ضعف بروز کند به همان مقدار در ضدشان (شرک و بدعت) قوت میآید، و دین فاسد میشود، اگر کاهش در اخلاص و توحید بیاید، به همان مقدار در دین و ایمان آمیزش ضد آنها (شریک و بدعت) هم میآید، چنانچه ارشاد باری تعالی است:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۶]



**ترجمه:** ایمان نمیآرد بسیاری از مردم به الله مگر همرا با آن شرک هم میکنند. یعنی بسیاری از مردم همراي ایمان ظاهری مشرک هم میباشند. چنانچه در عصر امروز جهلاء براین مبتلاء اند.

و اگر در اتباع سنت کاهش بیآید به همان انداز راهی بدعات واه میشود چنانچه رسول الله ﷺ میفرماید:

(ما أحدث قوم بدعة إلا رفع مغلها من السنة فتمسك بسنة خير من إحداث بدعة) [مشکوة : ۳۱، رواه أحمد]

هیچ قومی در دین یک بدعت را ایجاد نمیکنند مگر به انداز آن سنت بلند کرده میشود، تمسک و مستحکم گرفت سنت بهتر است از ایجاد (پیدا کردن) بدعت.

از این هویدا میگردد که چنانچه برای صلاح و فلاح دین دواصل است اخلاص و اتباع، همچنین برای فساد دین هم دو اصل است آنها را ضد این دو گفته میشود شرک بدعت، یعنی طوریکه در وجود اخلاص و اتباع هرگز دین ضایع نخواهد شد، همچنین در وجود اشراک (شرک) و ابتداع (بدعت) هرگز دین باقی نه خواهد ماند.

## اهمیت و مقام سنت

قرآن و حدیث در بیان توحید و سنت و تردید شرک و بدعت از نهایت زور کار میگردند زیرا که چنانچه در عدم امتیاز



شرك و بدعت ایمان مؤمن، بطور کامل باقی نمی ماند، و همچنین بدون امتیاز سنت و بدعت عمل بی ر درباری عالی شرف پذیرائی را حاصل نمی کند. ارشاد باری تعالی است:

﴿إِنِّي يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ [فاطر: ۱۰]

**ترجمه:** بسوی او بالا می رود سخن پاک (از شرک) و عمل صالح (مطابق سنت) بلند می گرداندش او را (و شرف پذیرائی حاصل می کند)

بنابراین اهمیت، الله متعال و رسول الله ﷺ بعد از بیان توحید ورد شرک به اندازیکه تاکید نمودند بر استمساک بالسنت و تردید بدعت شاید در دیگر مسئله چنین تاکید نه فرموده باشند، حتی که الله متعال رضا و محبت خود در اتباع پیغامبرش منحصر ساخته ارشاد می فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ﴾ [آل

عمران: ۳۱]

**ترجمه:** بگو (ای محمد ﷺ) اگر دوست میدارید الله را پس پیروی مرا کنید تا دوست دارد شما را الله.

اگر کسی دعوی محبت با الله و رسولش دارد و محبت کردن میخواهد، برای آن پیروی سنت پیغامبر ﷺ لازمی است زیرا که بدون پیروی کردن و در نقش قدم او رفتن هیچ یکی دوست الله و رسول وی نخواهد شد.



## معیار محبت با رسول الله صلی الله علیه و سلم

در عصر امروزی بسا مردم دعواهای بزرگی میکنند در محبت نبی اکرم، و خود را محبان رسول ﷺ و عاشقان رسول ﷺ نسبت میکنند، ولی شکل و صورت، قول و فعل و هر کار آنها از سیرت و سنت نبی اکرم ﷺ قطعاً خلاف به نظر میخورد، و آنها در مقابل سنت رسول ﷺ طریقه‌های خود ساخته و بدعات و رسومات ایجاد کردند، ازین جهت آنها در دعوی عشق خود دروغ گو اند، و خود را فریفته میسازند.

مشهور مفسر حنفی امام نسفی رحمته الله علیه در تفسیر مدارک در

تحت این آیت:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ﴾ [آل

عمران: ۳۱]

مینویسد:

[فمن ادعى محبته و خالف سنة رسوله فهو كذاب و كذاب الله يكذبه]

کسیکه دعوی از محبت الله میکند و (در عمل) از سنت پیغامبرش خلاف ورزی میکند وی در دعوی محبت خود دروغ گو است و کتاب الله هم وی را دروغگو می نامد.

و باز مینویسد که محبت با نبی اکرم ﷺ چه را گفته میشود:

[هي اتباع النبي عليه السلام في أقواله وأفعاله وأحواله]





نسختین مثال این در واقعه یک صحابی جان نثار رسول الله ﷺ سیدنا حذیفه بن یمان رضی الله عنه که به صاحب زار رسول الله شهرت داشت دریافت میشود که: وقتی که مسلمانان به ایران حمله آور شدند، پادشاه ایران (کسری) راهی مذاکرات را پیش کرد، حذیفه رضی الله عنه با یک رفیق دیگرش سیدنا ربیع بن عامر به دربار درآمدند. سپس بخاطر مدارات چیزی از طعام و خوردنی پیش کرده شد، و در دوران خوراک از دست حذیفه رضی الله عنه لقمه در زمین افتاد، ایشان را فوراً این حدیث مبارک یاد شد که:

[إِذَا مَا وَقَعَتْ لُقْمَةٌ أَحَدِكُمْ فَلْيَمِطْ عَنْهَا الْأَذَى وَلْيَأْكُلْهَا وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ] (ترمذی)

چون هنگام خوراک لقمه یکی از شما به زمین افتد باید آنرا صفا و پاک نموده (از خاک غیره) و آنرا تناول نماید، و نگذارد آنرا برای شیطان.

جناب شان برای گرفتن لقمه افتیده شده اراده نمودند، رفیق هم پهلویش وی را تنبیه ساخت که بنابر تقاضای مصلحت چنین کار مکن که، اهل مجلس به نظر حقارت ترانه باید بنگرند.

وباعث براین تنبیه این بود که در آن زمان تهذیب ایرانی در نفاست و صفای انتهای مشهور بود، در جواب سیدنا حذیفه رضی الله عنه میفرماید:

[أَتْرُكُ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُوَ لِأَعْلَى الْحَقَائِدِ]



آیا بگذارم سنت رسول الله ﷺ را از جهت این بیخردان؟ این بود شدت اتباع صحابه کرام رضی الله عنهم که آنان پابند هر سنت و مستحب بودند در هرگونه حالت، که درانجام آن نظریات و افکار کسی را اعتبار ندادند، ولیکن جای تأسف است که امروز مسلمان اگر اندک در گریبان خود نظر اندازی کند، خود را دریابد که از یک سو دعوی امتی بودن محمد رسول الله ﷺ را میکند، و از دیگر سوی به چه انداز سنتهای بزرگی را از نظر می اندازد، برای چنین محبان رسول ﷺ و عاشقان رسول ﷺ احساس بکار است که آنها به چه انداز مبتلای مخالفت از سنت رسول الله ﷺ اند.

## پیروی نبی اکرم ﷺ فرض است

الله متعال بر ما پیروی اسوه حسنه و سیرت و سنت نبی اکرم ﷺ را طوری فرض لازم گردانیده همچنانکه پیروی الله متعال بر ما فرض لازم است. ارشاد باری تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ۵۹]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول را اطاعت کنید.

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۳۲]

**ترجمه:** بگو فرمان برید خدا را و پیغامبر را پس اگر روی گردانید پس یقیناً الله دوست ندارد کافران (منکرین اطاعت) را. تا آنکه الله متعال پیروی محبوب خود را بعینه پیروی خود شماریده.

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰]

**ترجمه:** هر که فرمانبرداری کند رسو را پس یقیناً فرمانبرداری الله را کرد.

چرا چنین نباشد که نبی اکرم ﷺ فرستاده الله است:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ [البقرة: ۱۱۹]

**ترجمه:** یقیناً فرستادیم ترا برای بیان حق مژده دهنده (پیروان را بر بهشت) و بیم دهنده (منکرین را بر دوزخ).

در حدیث شریف هم آمده:

﴿مَنْ أَطَاعَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَى مُحَمَّدًا صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ﴾ [مشکوٰة ، بخاری]

هر که پیروی از محمد ﷺ کرده یقیناً پیروی الله را کرد، و هر که

نافرمانی از محمد ﷺ کرد یقیناً نافرمانی الله را کرد.

و مقصد بعثت هر نبی و پیغامبر همین تابعداری بود که مردم از

وی پیروی کنند. چنانچه الله متعال میفرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [النساء: ۶۵]

**ترجمه:** و نه فرستادیم هیچ پیغامبر را مگر برای آنکه

فرمانبرداری کرده شود بحکم الله.





**[تَرَكَتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا أَمَا عَمَسَكُمُ بِهِمَا كِتَابُ اللَّهِ وَسُنَّةُ رَسُولِهِ]**  
 (مشكوة)

گذاشتم در میان شما دو چیز را که هرگز گمراه نخواهید شد تا وقتیکه بر آنها متمسک بودید. همانا کتاب الله و دیگر سنت پیغامبر وی است.

در روایت دیگری هم چنین الفاظ آمده:

**[يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكَتُ فِيكُمْ مَا إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ فَلَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا]**  
 کتاب الله و سنة نبیه صلی الله علیه و سلم (مستدرک حاکم علی الصحیحین)

ای مردم! گذاشتم در میان شما دو چیز را که هرگز گمراه نخواهید شد تا وقتیکه چنگ زنید بر آنها. همانا کتاب الله و سنت پیغامبر وی است.

و در حدیث دیگری ارشاد است:

**[مَنْ أَكَلَ طَيِّبًا وَعَمِلَ فِي سُنَّةٍ وَأَمِنَ النَّاسَ بِوَأَقْبَهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ]** (ترمذی، مشكوة)

کسیکه حلال خورد، و عمل مطابق سنت نمود، و ایمن ساخت مردم را از زیان خود داخل خواهد شد بهشت را.

ازین جهت به دربار الله متعال آن عمل قابل پذیرفت است که مختوم بر امضای سنت نبوی باشد، یعنی مطابق سنت نبی اکرم ﷺ باشد، و دلیل بر این ارشاد باری تعالی است:

**﴿إِنِّي يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾** [فاطر: ۱۰]



**ترجمه:** سوی او بالا می‌رود سخن پاک (توحید) و عمل صالح (مطابق سنت) بلند می‌گرداندش اورا (وشرف پذیرائی حاصل میکند).

## صحیح مطلب از عمل نیک

عمل نیک آنرا گفته نمیشود که در ذهن ما نیک خطور کند بلکه عمل نیک و صالح آن است که شریعت آنرا نیک و صالح تلقی کرده باشد، و از نگاهی شریعت ثابت باشد.

قاضی بیضاوی رحمته الله در تفسیر خود تحت این آیت ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ [البقرة: ۲۷۷] مینویسد:

[الصالحات من الاعمال ما سوغها الشرع] یعنی عمل صالح آنرا گفته میشود که شریعت (قرآن و سنت) آنرا جائز تلقی کرده باشند.

علامه علی المهایمی در تبصیر الرحمن ۱/ ۳۷ در تحت این آیت: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ [البقرة: ۲۵] در باب عمل صالح مینویسد:

[و عملوا الصالحات التي امر بها هو واحد فروعها من السنة والاجماع والقياس]

عمل نیک و صالح آن است که حکم کرده باشد بر آن قرآن و یا فروع آن یعنی سنت، اجماع، قیاس آمده باشد. مطلب این است که کدام عملیکه در قرآن و سنت موجود باشد و یا صحابی کرده باشد، و یا از قیاس مجتهد ثبوت آن

معلوم میشود، آن عمل نیک است، و اگر از یکی از اینها ثابت نباشد، و یا در اینها بر آن حکم کرده نشده باشد، آن عمل هرگز نیک ثابت شده نمیتواند.

علامه ابن کثیر رحمته الله میفرماید: برای قبولیت عمل دوش شرط است: یکی اینکه آن عمل لوجه الله باشد، برای ریاء نمودن نباشد، و دوم اینکه مطابق سنت نبوی و شریعت باشد. اگر یک عمل برای طلبیدن خوشنودی الله متعال نباشد مثال آنرا قرآن کریم چنین بیان نموده:

﴿كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا﴾

[البقرة: ٢٦٤]

**ترجمه:** (آن عمل) مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشد اندک خاکی پس رسید بوی بارانی سخت پس گذاشت اورا صاف (یعنی هیچ بر آن باقی نماند).

و هر عملی که مطابق سنت نبوی صلوات الله علیه نباشد بلکه از نزد خود ساخته شده باشد، برای قبولیت آن هیچ راهی نیست، لذا درباره آن عمل ارشاد نبوی صلوات الله علیه است که:

[مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ زَوْرٌ] (متفق علیه)

کسی که عمل انجام داد که از سوی ما بر آن حکم نشده بود (به طریقه من مطابق نبود) آن عمل در نزد الله متعال مردود است قابل پذیرائی نیست.

روزی سه نفر از صحابه کرام رضی الله عنهم به خانه ازواج مطهرات رضی الله عنهن تشریف بردند، و از ایشان در باره عبادات



ومعاملات نبی اکرم ﷺ پرسیدند، مرهنگامیکه ازواج مطهرات رضی اللہ عنہن آنان را بر عبادات و معاملات نبی اکرم ﷺ اطلاع دادند، آنها عبادات خود را بنظر کم دیدند و گفتند در میان ما و نبی اکرم چه نسبت است زیرا که وی آمرزیده شده وبا وجود این هم عبادات زیاد انجام میدهد: [قال أحدهم أما أنا فإني أصلي الليل أبدا]

یکی از آنها فرمود: بعد ازین من تا همیشه تمام شب را نماز میگذارم.

[وقال آخر أنا أصوم الدهر ولا أفطر]

و دیگرش گفته من تمام زمانه را روزه میگیرم و افطیاری نخواهد کردم. وسوم نفر گفت: [أنا أعزل النساء فلا أتزوج أبدا] من تمام عمر از زن و فرزند اعتزال (دوری) میکنم، و هرگز ازدواج نمیکنم. (صرف عبادت میکنم)

در همین حالت بودند که نبی اکرم ﷺ تشریف آوردند، وقتیکه از اراده آن اشخاص با خبر شد، و فرمودند: مرا معلوم شده آن چیزیکه شما اراده کردید چیزیکه الان گفتید:

[أما والله إنني لأخشاكم لله وأتقاكم له لكني أصوم وأفطر وأصلي وأرقد وأتزوج النساء فمن رغب عن سنتي فليس مني] (مشكوة)

خبردار قسم به الله! یقیناً من ترسنده ترین شما هستم از الله و پرهیزگارتر شما ولیکن من گاهی روزه دار میباشم، و گاهی افطیاری میکنم، و گاهی نماز میخوانم، و گاهی میخوابم



(استراحت) میکنم، ومن ازدواج هم کردم، پس کسیکه روی گردانید از طریقه من وی از زمره امت من نیست.

جای تفکر است در ظاهر اراده آن سه صحابه کرام نیک بود، اراده عبادت و دینداری داشتند، ولیکن مرهنگامیکه آن اراده و فعل خلاف طریقه نبی اکرم ﷺ بود، نبی اکرم به اظهار نا رضایتی خود آنها را از آن عمل منع فرمود، ازین معلوم شد که هرآن عمل نیک و کار ثواب که انسان به ذهن خود تجویز کند، تا وقتی نیک نمیباشد که بر آن مهر تصدیق و مهر سنت نبوی زده نشده باشد.

## وگذاری پیروی پیغمبر صلی الله علیه و آله خلاف ایمان است

بنابراین اهمیت الله متعال ما را بر پیروی نبی اکرم ﷺ حکم نموده، و ما را بی مهار در خواهشات و رضایات خود هرگز وانگذاشته است.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ [الاحزاب: ۳۶]

ترجمه: نیست هیچ مرد مؤمن و زن مؤمن را چون مقرر کند الله کاری و رسول او آنکه باشد آنها را اختیار.

یعنی برای مومنان هیچ اختیار نیست از طرف خود در مقابل حکم الله و پیغمبرش در غم و خوشنودی و یا در دیگر موقع طبق





خویشاوندان خود محبت دارد، به الله ورسولش هیچ محبت ندارد و یا محبت دارد ولی از محبت خویشاوندان کمتر، و اگر یک شخص صاف دل متبع سنت، بدون در نظر گفتن نا راحت شدن خویشاوندان، و از صمیم قلب عزم مصمم نماید که مردمان خوشحال میشوند و یا خفه ولیکن من این خوشحالی (از دواج و غیره) را مطابق فرمان الله ورسولش انجام میدهم، و از بدعات و رسوماتیکه خلاف شریعت اند، و رسومات اهل تشیع، و هندوها، و یهودها و عیسوی ها اند خلاف خواهد کرد، این شخص عملاً ابراز داشت که محبت وی با نبی اکرم ﷺ زیاد است از محبتش با دیگر مخلوق، و همین است مؤمن کامل، و کسیکه خلاف شریعت رضایت پدر و مادر و خویش و قوم و اهل اقرباء و دوست همنشین را در نظر میگرد وی مؤمن کامل شده نمیتواند.

## شرایط ایمان کامل

یک شرط برای ایمان کامل الله متعال پیروی پیغمبر ﷺ و حاکم مقرر کردن آنجناب را در هنگام وقوع اختلاف در میان شان، در یکی معاملات. گردانیده. چنانچه در سورت نساء آیت ۶۵ آمده:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾



**ترجمه:** پس قسم به پروردگار تو که اینها مسلمان نباشند تا آنکه حاکم کنند ترا در اختلافی که واقع شد در میان آنها باز نیابند در دل خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی و قبول کنند بانقیاد.

مراد از **[فِيهَا شَجَرِيَّتُهُمْ]** تمام عقاید، نظریات، اعمال، و معاملات، و حقوق میباشد.

در این آیت سه شرط برای ایمان کامل بیان شده:

اول اینکه: **[حَتَّى يُحِبُّوكَ فِيهَا شَجَرِيَّتُهُمْ]** مسلمان امتی کامل شده نمیتواند تا آنکه سنت نبی اکرم ﷺ را حکم خود قرار ندهد، و به داوری او راضی نشود و پیروی از سنت نبوی ﷺ نکند.

دویم شرط اینکه: **[ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ]** یعنی بعد از انجام عمل مطابق سنت در دلش کدام نا رضایتی و پشیمانی تنگ دلی محسوس نکند این ازدواج و یا تجهیز و تکفین جنازه و غیره را چرا مطابق سنت انجام دادم؟، اگر چنین کار نمیکردم بلکه رسم و رواج و عننات قوم منطقه، و طریقه آباء و اجداد خود را میکردم مردم از من نا راحت نمی شدند، درحقیقت چنین فکر کردن از تقاضای ایمان نیست بلکه تقاضای ایمان اینست که وقتیکه از تو صدور یک عمل موافق سنت صورت گرفت باید بر آن اظهار خورسندی کنی، و قلبت مطمئن شود که چه کاری نیکی انجام دادم، زیرا که بعد از اداء سنت نبوی احساس تنگ دلی هم علامه ضعف ایمان است.

سوم شرط اینکه: **[وَيُسَلِّمُوا سَلِيمًا]** که باربار کرات و مرات عامل سنت باشد، طوری نباشد که در پروگرامی یکی از فرزندان عامل سنت باشد، و بنا بر لعن و طعن و لا زام مردم و نا رضایتی شان، در پروگرام دیگر فرزندش هیچ توجه بسوی سنت نبوی ﷺ صورت نگیرد، و یا در یک مصیبت و غم تجهیز و تکفین و جنازه را مطابق سنت و شریعت اداء نماید، و بار دیگر بنا بر ملامت کردن، تردید و تهدید مردم از عمل با سنت و شریعت دست بشوید، و بجای سنت گرویده رسم و رواج قوم منطقه خود گردد، این چنین عامل را مؤمن کامل و امتی فرمانبردار گفتن مناسب نیست، در این آیت "تسلیمًا" مفعول مطلق است برای تاکید آمده یعنی باربار و در هر موقع سنت نبی اکرم ﷺ را پیش روی داشته باشد. در آن صورت ایماندار کامل بشمار میرود.

و چگونه مسلمانی است یک نفر در منازعه، و معامله، و غیره خود از فیصله و حکم نبی اکرم ﷺ مطمئن نگردد، بلکه بر عکس این جز منافقت چیزی نیست، بر زبان دعوا از امتی بودن پیغمبر کند و در عمل از فیصله پیغمبر خود خلاف ورزی کند، در باب چنین اشخاص ارشاد باری تعالی است:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ  
الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا﴾ [النساء: ٦١]



**ترجمه:** و چون گفته شود بآنها بیائید بسوی آنچه نازل کرده است الله (کتاب الله) و بسوی پیغامبر (سنت پیغمبر) ببینی آن منافقان را باز می ایستند از تو با اعراض.

## داستان یک منافق

در تفسیر این آیت مفسرین یک واقعه را نقل نمودند که میشنوید: منافق با یهودی در امری تنازع نمودند، و معامله خود را به دربار رسول اکرم ﷺ پیش کردند، نبی اکرم ﷺ بعد از تحقیق معامله دریافت که حق بجانب یهودی است، معامله را فیصله کرد برای یهودی، منافق ازین داوری نبی اکرم ﷺ نا راحت شد، سپس یهودی را مجبور براین نمود که باید فیصله را به عمر فاروق رضی الله عنه ببرند، و این را منافق بخاطر داشت که سیدنا عمر رضی الله عنه در مقابل کفار سخت است البته یهودی را وا گذاشته بجانب من فیصله میکند.

خلاصه اینکه آنگاه که هر دو خصمین به دربار عمری حاضر شدند، یهودی تمام داستان را در حضور جناب شان عرض نمود، و این را هم یاد آور شد که معامله را به دربار نبی اکرم ﷺ هم پیش کردیم و ایشان به جانب من فیصله کرد ولیکن این شخص از داوری نبی اکرم مطمئن نیست، بنابراین به حضور شما سر زدیم، با شنیدن این فاروق اعظم رضی الله عنه با اطمینان کامل فرمود: صحیح است، کمی منتظر تان میگذارم،



سپس به زودترین فرصت خواهد آمدم، وبعداً بخانه تشریف فرما شدند، مدت کمی نگذشت که از خانه خود دست با شمشیر عدل تشریف فرما شدند، و سر منافق را از تنش جدا ساخت، و سپس ارشاد فرمود: این است داوری عمر رضی الله عنه درباب شخصی که به داوری پیغامبر صلی الله علیه و آله مطمئن نباشد، و نارضایتی خود را آشکار کند.

اگر چه آیت مافوق الذکر عام است، مختص براین داستان نیست ولی مقصد این است که کدام خصومت و منازعه پیش آمد برای حل آن از فیصله شرعی اعراض نمودن از کار مسلمان نیست، بلکه آن شخص منافق است، الله متعال ما را از چنین منافقت محفوظ نگاه دارد. آمین.

بنابراین برای یک امتی فرمانبردار اطاعت و پیروی نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرض و لازمی است، پیروی نبی اکرم صلی الله علیه و آله به اندازه وسیع است که امتی درکنار که اگر بالفرض یک تن از پیغمبران علیهم السلام در دنیا زنده میبودند، بر آنها هم پیروی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله لازم بود، دریک موقع نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

[لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ نَفِيَّةً وَلَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا مَا وَسَعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِي] (مشکوٰة باب الاعتصام)

یقیناً من شمارا صاف و پاک شریعت آوردم اگر (امروز) موسی صلی الله علیه و آله زنده میبود برایش جز پیروی من دیگر چاره نبود.



ولیکن افسوس که مردم چنین ارشادات نبی اکرم ﷺ را در پشت سر گذاشتند و پیروی از طریقه های خودساته خویش کردند، که آنان درحقیقت مقلید از غیر گردیدند، تہذیب و کلتور غیر را بسا بہ خوشنودی پذیرفتند، و باز ہم دعواگر از امتی بودن محمد عربی ﷺ هستند، و ادعا میکنند کہ ما مسلمانیم، اللہ و پیغمبرش را قبول داریم، و عامل قرآن و سنت هستیم، درحالیکہ این دعوی ایشان جز زعم باطل و یک خاطرہ غلط چیزی دیگر نیست، و قتیکہ ہمراہ ما موزون ترین اسلوب زندگی (سنت مطہرہ) رسول اللہ ﷺ موجود باشد دیگر چہ حاجت بہ نظر کردن آروز و تمنای تہذیب ناپاک، و کلتور غیر، قرآن کریم بر چنین اشخاص تردید میکند:

﴿لَمْ تَرَالِيَ الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَمَكَّمُوا إِلَى السَّمَاوَاتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ٦٠]

ترجمہ: آیا ندیدی بسوی کسانیکہ گمان میکنند کہ ایمان آوردند بآنچہ بسوی تو نازل کردہ شدہ است و بآنچہ پیش از تو نازل کردہ شد، میخواہند کہ قضایای خویش را رفع کنند بسوی سرکش (غیر اللہ) و حال آنکہ فرمودہ شد ایشانرا کہ نا معتقد وی شوند و میخواہد شیطان کہ گمراہ سازد اینہارا گمراہی دور.



## پیروی پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم در فعل و ترک هر دو میباشد

مارا من حیث امتی پیروی پیغمبر ﷺ در هر صورت امر لازم است، اگر آنحضرت ﷺ کاری انجام داده باشد برای ما کردنش لازمی است، و اگر کاری را انجام نداده باشد، هم بنابر پیروی او آن کار را هرگز نمی‌کنیم، به این شرط آن فعل و یا ترک از خصوصیات نبی اکرم ﷺ نباشد، زیرا که ما از امتیان وی هستیم فعلاً و ترکاً. ارشاد باری تعالی است:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [حشر: ۷]

ترجمه: و شمارا آنچه رسول حق دستور دهد (منع یا عطا کند) بگیریید و هرچه نهی کند واگذارید.

مطلب اینکه از کدام چیز و یا کاری مارا منع نموده باید از آن کار خود داری کرده شود، و بر کدام کار و طریقه که امر فرموده پیروی و اتباع وی بر ما لازم است، معلوم شد که اتباع عام است که در فعل باشد و یا در ترک، یعنی اگر کار را نبی اکرم ﷺ انجام داده در انجام تابعداری است، و اگر یک کار را ترک کرده و انجامش نداده و از سوی آنحضرت ﷺ هیچ ثبوتی نداشته باشد، برای ما ترک آن هم عین اتباع است.

ملا علی قاری رحمته اللہ علیہ میفرماید:

[والمعابة كما تكون في الفعل تكون في الترك ايضاً] (مرقات: ۱/ ۴۱)

پیروی چنانچه در فعل است در ترک (ناکردن) نیز است.





منع می فرمود، ازین جهت در این ما هیچ کراهت وبدی نمی بینیم.

درحقیقت این اشخاص پیروی وامتی بودن راهیچ ندانستند، زیراکه مطلب از اتباع هر فعل وترک نبی اکرم ﷺ مکمل بجا آوردن است.

## پیروی از سنت صحابه کرام رضی اللہ عنہم

همچنین اگر یک عمل را صحابه کرام ﷺ انجام دادند آن هم سنت است و برای ما دلیل است زیراکه پیروی از سنت صحابه کرام ﷺ برای ما لازمی است. چنانچه نبی اکرم ﷺ ارشاد فرموده:

{ عَلَيْكُمْ بِسُنِّي وَسُنَّةِ خُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ } (مشکوٰة، ترمذی)

ترجمه: لازم است بر شما سنت من و سنت خلفای راشدین که ایشان هدایت یابنده اند.

همچنین سیدنا عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ می فرماید:

[من كان مستنًا منكم مستنًا فليستن بأصحاب محمد ﷺ (وفي رواية) فليستن بمن قد مات فإن الحي لا تؤمن عليه الفتنة. أولئك أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا أفضل هذه الأمة أبرها قلوبا وأعمقها علما وأقلها تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولإقامة دينه فاعرفوا لهم فضلهم واتبعوهم على



و خود رسول الله ﷺ هم پیروی صحابه کرام رضی الله عنهم را امر ضروری قرار داده.

[قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِيَأْتِيَنِّي عَلَى أُمَّي مَا أَنَّى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ حَدًّا وَالتَّعَلُّ بِالتَّعَلُّ حَتَّىٰ إِنْ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ أَنَّى أُمَّةً عَلَانِيَةً لَكَانَ فِي أُمَّي مَنْ يَصْنَعُ ذَلِكَ وَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَفَرَّقَتْ عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ مَلَّةً وَتَفَرَّقَتْ أُمَّي عَلَى ثَلَاثِ وَسَبْعِينَ مَلَّةً كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا مَلَّةً وَاحِدَةً] (مشکوة، وترمدی)

نبی اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: خواهد آمد بر امت من آن ناگوارهایی که آمده بود بر بنی اسرائیل، (بلکل یکسان) مانند یکسانی پیزار با پیزار دیگر، تا آنکه اگر یکی از آنها چنین بدبخت گذشته باشد که با مادر خود علناً در محضر عام بد کاری کرده باشد، (نعوذ بالله من ذالک) ودر امت من هم چنین بدبخت خواهد آمد این عمل شرم آور را انجام دهد، و بنی اسرائیل بر هفتاد و دو گروه تقسیم شده بودند، و امت من بر هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شدند، تمام شان دوزخی می باشند بجز از یک فرقه آن صحابه کرام رضی الله عنهم عرض کردند که: [وَمَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ]

آن گروهی منجیه (نجات یابنده) کدام میباشد ای رسول خدا! نبی اکرم ﷺ فرمودند: [مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي] یعنی از فساد و گمراهی و جهنم آنان نجات یابنده اند که آن عملی را انجام میدهند که من و یارانم کردیم، یعنی کسیکه پیروی سنت من و سنت یارانم باشد.



و در باره گذاشتن سنت و طریقه صحابه رضی الله عنهم و در عوض آن از نزد خود طریقه جدید (بدعات) ایجاد کردن ابراهیم نخعی رضی الله عنه میفرماید:

[كل ما لم يفعلوه اذا فعل بعدهم كان نقصاناً في الدين] (مدخل: بحواله اصول السنة)

پس هر عملیکه صحابه کرام رضی الله عنهم نکردند و بعد از آنها کرده شود، آن در حقیقت در دین (عیب) نقصان است. سیدنا حذیفه بن الیمان رضی الله عنه میفرماید:

[كل عبادة لم يعبدوا اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم فلا تعبدوها فان الاول لم يدع للاخر مقلاً] فاتقوا الله يا معشر المسلمين وخذوا بطريق من كان قبلكم [اعتصام: ۱/ ۱۱۳]

هر آن عبادتی که یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله نکرده باشند، آنرا مکنید، زیرا که نخستین (صحابه کرام رضی الله عنهم) برای آخرین هیچ قسم کسر نگذاشتند، ای مسلمانها! از الله بترسید و راهی پیش بینان (صحابه کرام رضی الله عنهم) را بگیرید، (بر آن عمل کنید)

الغرض: از روی اهمیت سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و یارانش برای ما پیروی از سنت آنها لازم است.

بلکه در زمانه فساد که مردم بر گذاشتن سنت عادت گیرند و سنت را بگذارند، و به عوضش پابند بدعات و رسومات شوند، نبی اکرم صلی الله علیه و آله در باره عامل سنت در آن زمانه چنین ارشاد فرموده:



{ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ أُمَّتِي فَلَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ } (مشكوة، باب الاعتصام)

کسیکه چنگ زد بر سنت من (یعنی بر آن عمل کرد) در حین فساد امت من (آنگاه که جای سنت را بدعت قبضه کرده باشد) برای وی ثواب صد (۱۰۰) شهید داده میشود. و بر عکس این برای ما خوداری بکار است از مخالفت سنت زیرا که لعنت و خشم الله است بر تارک السنن و انجام دهنده بدعات.

أَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةٌ مُلْحِدِي الْحَرَمِ وَمُتَّبِعِي فِي الْإِسْلَامِ سِنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَمُطَلِّبِي دَمِ امْرِئٍ بَعْدَ حَقِّ لِهَرِيْقِ دَمِهِ (بخاری، مشکوة)

نبی اکرم ﷺ فرموده که: مبعوض ترین مردم سه اشخاص اند: یکی کجرو (گناه و فساد کننده) در حرم، دوم پابند رسومات جاهلیت در اسلام، سوم کسیکه در طلب ریزاندن خون مسلمان است بناحق.

وقتی که از نزد خود به نیت ثواب ایجاد یک کار یعنی ایجاد کردن بدعات بدترین جرم بوده، بنابراین لابدی است از معرفت قباحت بدعت، تا که مسلمانان بعد از شناسایی بدعت از آن خوداری نمایند.



## قباحت بدعت

بدترین گناها بعد از شرک بدعت است، تا اینکه مبتدع قابل آمرزش هم نیست، و در روز رستاخیز از شفاعت شفیع المذنبین محمد رسول الله ﷺ هم محروم است، و این ترک سنت و از آن مخالفت ورزی، و ایجاد بدعت سبب عذاب دنیا و آخرت است، الله متعال میفرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]

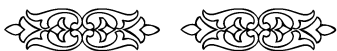
ترجمه: پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیغامبر می کنند، از آنکه برسد بر آنها بلای یا برسد بر آنها عذابی درد دهنده.

و در جای دیگر قرآن مجید درباره مخالفت سنت نبی اکرم ﷺ و یارانش ﷺ میفرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۱۵]

ترجمه: و هر که مخالفت پیغامبر کند بعد از آنکه معلوم شد او را هدایت و پیروی کند سوای راه مسلمانان (صحابه و تابعین و تبع تابعین ﷺ) متوجه بکنیمش (در روز قیامت) بآنچه میل کرده و در آریمش بدوزخ و او بد جائیست.





کسیکه عمل انجام داد که از سوی ما بر آن حکم نشده بود (به طریقه من مطابق نبود) آن عمل در نزد الله متعال مردود است قابل پذیرائی نیست.

ازین آیت مبارکه و حدیث نبوی ﷺ چنین بدست آمد که هیچ عمل بدعتی مورد پذیرائی در دربار الله متعال نمیگردد. بلکه در روایت دیگر درباره عدم قبولیت عمل بدعتی بطور آشکار الفاظ آمده:

[لَا يَقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَلَا عَدْلٌ] (مشکوٰة: ۱ / ۲۳۸، ابن ماجه: ۲)

قبول نمیشود عبادت فرضی (بدعتی) و نه عبادت نقلی وی. مرهنگامیکه عبادات بدعتی قبول نمیشود ازین جهت فقهای عظام و علماء کرام، در عقب بدعتی نماز را مکروه تحریمی میدانند، از جهت تمام این بی سامانیها نبی اکرم ﷺ برای خوداری بدعت انتهایی به جدیت تاکید فرمودند:

[وَأَيُّكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ]

(مشکوٰة)

خوداری نمائید از طریقه های نوین در دین، زیرا که هر طریقه جدید بدعت است و هر بدعت گمراهی است.

در روایت امام نسائی الفاظ مزید هم وجود دارد.

[وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ] (نسائی: ۱ / ۱۷۹)

و هر گمراهی در آتش است.

بدعت بانداز قبیح است که نبی اکرم ﷺ از توقیر و تعظیم

صاحب بدعت منع فرموده است:



ارشاد نبی اکرم ﷺ است:

{ مَنْ وَقَّ رَأْسَ أَحَبِّ بَدْعٍ عَفِيقًا عَانَ عَلَى دَمِ الْإِسْلَامِ } (مشکوة)

ترجمه: کسیکه تعظیم بدعتی را کرد یقیناً او همکاری

نمود بر محو کردن و نابودی اسلام.

و همین باعث بود که صحابه کرام رضی الله عنهم و اسلاف امت رضی الله عنهم

از بدعت و اهل آن انتهائی متنفر بودند.

روزی شخصی سلام از سوی دیگر بر سیدنا عبدالله ابن

عمر رضی الله عنهما پیش کرد، که قبل ازین ایشان را درباره آن شخص

رسیده بود کدام بدعتی ایجاد نموده، سیدنا ابن عمر رضی الله عنهما

برای سفیر میگوید در جواب سلام وی.

[فَإِنْ كَانَ قَدْ أَحْدَثَ فَلَا تُفَرِّطْهُ وَمِثِّي السَّلَامُ] (ترمذی: ۳۸ / ۲،

مشکوة: ۲۳/۱)

اگر واقعاً آن شخص بدعت ایجاد کرده باشد از طرف من سلام

(جوابی) بر او مگو.

سیدنا ابوسعید خدری و سیدنا سهل بن سعد از نبی اکرم ﷺ

روایت میکنند که حاصلش این است:

در روز قیامت هنگامیکه نبی اکرم ﷺ مصروف انتظام

آب آشامیدن امتهای خود است از حوض کوثر، و منتظر

تشریف آوردن آنهاست، که یک گروه از آنها قبل از رسیدن

به نبی اکرم ﷺ ممانعت کرده میشوند، و بسوی دوزخ سوق

داده میشوند، نبی اکرم ﷺ از درباری عالی از الله متعال

درخواست میکند که ای الله! اینها امتی های من، و از متعلقین



من اند، از سوی الله متعال در جواب گفته میشود، بیشک اینها بودند از امت تو ولیکن تو از اعمال اینها اطلاعی بدست نداری که اینها بعد از تو قسماً قسم بدعات ایجاد کرده بودند، ودین را بدل کرده بودند، واز راه راست بی راه شده بودند، ازین جهت از حوض کوثر اینهارا آب میسر نمیشود، (بخاری: ۹۷۴ / ۲، مسلم: ۲۴ / ۲)

ام المؤمنین عائشة صدیقه رضی الله عنها میفرماید: با بدعتی شست و برخواست مکن زیرا که بسبب این قلب انسان می میرد.

ابن امیر الحاج رحمته الله مینویسد:

[فلیحذرنا از یزور احد من اهل البدع] (منخل: ۴۲۱ / ۲)

همیش درهراس باش از زیارت و ملاقات اهل بدعت.

خواجه نظام الدین اولیاء رحمته الله درباره بدعت میفرماید که:

بدعت از محبت بالاتر است و کفر از بدعت بالاتر است بدعت بکفر نزدیک است

[فوائد الفوائد: ۱۰۹. بحواله منهاج الواضح: ۷۳]

## معنی و مطلب بدعت

معنای لفظی بدعت این است که پیدا کردن چیزی نوین، و در اصطلاح شریعت بدعت گفته میشود هر آن کار و طریقه نوین را که در دین از نزد خود ایجاد کرده شود، و بر نیت ثواب بر آن عمل کرده شود، وثبوت آن در قرآن و سنت، و در



قرون مشهود لها بالخیر (قرون ثلاثه) قرن صحابه کرام رضی اللہ عنہم و سلف صالحین و ائمه مجتهدین نباشد.

و در کتابهای لغت هم همین معنی را نوشته اند: البدعة: بدون نام جور کردن چیزی، در دین رسم نوین، و یا هر آن عقیده و عمل که برای آن هیچ اصل در قرون مشهود لها بالخیر پیدا نشود. [مصباح اللغات: ۲۷]

حافظ ابن رجب رحمته اللہ علیہ در معنی بدعت مینویسد:  
 [والمراد بالبدعة ما احدث مما لا اصل له في الشريعة يدل عليه] (جامع العلوم والحکم: ۱۹۳)

مراد از بدعت آن چیزی است که در شریعت برای آن هیچ اصل موجود نباشد که بر آن دلالت کند.

مولانا شبیر احمد عثمانی رحمته اللہ علیہ میفرماید:  
 بدعت گفته میشود کردن آن کاری را که اصل آن در قرآن و سنت و قرون مشهود لها بالخیر موجود نباشد، و بر آن بر نیت دین و ثواب عمل کرده شود. [حمائل شریف: ۷۰۳]

و همین معنی را مفتی اعظم هند مفتی محمد کفایت اللہ دهلوی رحمته اللہ علیہ در تعلیم الاسلام ذکر کرده.

ازین معلوم شد که نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم کدام تعلیمی که بر دنیا آورده، و کدام عقایدیکه امت خود را تلقین کرده، و برای احکام کدام طریقه عمل متعینۀ که فرموده از آن اضافه نمودن بدعت است.



ازین حقیقت بدعت ظاهر شد که در دین آموخته شده  
 و آورده شده نبی اکرم ﷺ وجود ندارد، و نه اصل و نظیر آن  
 وجود دارد، و نه از قرآن و سنت مستنبط است.

چونکه در هر کار از دین و عده اجر و ثواب است، بنابراین  
 هرچیزیکه از دین و یا در دین داخل شماریده شود، بر آن هم  
 ثواب را مرتب شماریدن امر ضروری است.

ازین جهت وقتیکه یک چیز بدعت باشد یقیناً آن از ثواب  
 خالی است بلکه از جهت مردودیت و ضلالت آن به کردن آن  
 بجای ثواب گناه مرتب میشود.

اکنون شما داوری کنید که در عقاید، و اعمال، عبادات،  
 و غم و خورسندی مسلمانان، دردیگر تقریبات کدام طریقه  
 و رسوماتیکه بر نیت ثواب اداء کرده میشود تا کدام حد ذریعه  
 ثواب شده میتوانند.

از این تشریح آشکار شد که برای بدعت شماریدن یک  
 چیز ضروری است که آن اضافه از امور دین باشد، اگر از  
 امور دینی نباشد، بنابر حیثیت مذهب آنرا بدعت نمیگوئیم،  
 مثلاً کسی ساختمانی بر نقشه جدید سازد، و یا کسی یک  
 ماشین حالات بسازد، و یا کسی یک آله جدیدی ایجاد کند،  
 و یا دریک مسئله سائنس تحقیق جدید کند، و یک طریقه نوین  
 برای علاج و معالجه ایجاد کند، و غیره تمام اینهارا بدعت گفته  
 نمیشود.



براین تحقیق جواب آنانی هم شد که وقتیکه از تردید بدعات یک حق پرست به تنگ آیند، بطور طنز ونکته از طرف خود بر جواب دادن الزامی برای ناکامی آن کوشش میکند و میگوید: جناب عالی! اگر هرچیز نوین بدعت باشد دراین صورت هوا پیما، موتر، ائیرکندیشن، پنکه وغیره سهولیات جدید تمام شان بدعت شدند.

مسئله واضح شد که شناخت بدعت این است که کننده آن در عمل خود اعتقاد ثواب را دارد، واین هم آشکار است که مرتب شدن ثواب ویا عذاب بر یک کار بر عقل معلوم کرده نمیشود، ثواب یک امر توقیفی است که یک راه برای معلوم کردن آن وجود دارد که وحی نبوی ﷺ است.

بعد ازین تفصیل و تعین مصداق بدعت تمام آن اشیای جدید خارج شدند که اگر چه در قرون ثلاثه وجود نداشتند، لیکن آنها را بدون از دین شماریدن و ثواب دانستن، بلکه بطور وسائل و ذرایع جور کرده ویا ایجاد کرده شدند، مثلاً قطار آهن، هوا پیما، وسائل نقلیه، تلفون، لاؤدسپیکر، وغیره، اگر چه اینها در عصر نبی اکرم ﷺ و صحابه کرام رضی الله عنهم وجود نداشتند، لیکن اینها بدعت ازین جهت نیستند که اینها ذرایع واسباب اند ودر ذرایع واسباب بدعت مرتب نمیشود.

دوم اینکه اینها را مردم به نیت ثواب و دین استعمال نمیکند، بلکه تمام اینها محدود بر وسائل واسباب اند، حاصل کلام این که یک چیزی نوین (اسباب و آلات) ایجاد کرده که



به نیت و دین و ثواب نباشد البته مباح است و ضروری است آن بدعت نیست بلکه جایز است، زیرا که در حدیث شریف هم بدعت چیزی را گفته شده که از امور دینی باشد نه وسائل و ذرایع.

از ام المؤمنین عائشه صدیقه طاهره رضی الله عنها روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

[مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ كَرِهٌ] (مسلم)

کسیکه چیزی نوین ایجاد کرد در دین ما که از آن دین نبود پس او مردود است،

محدثین نوشتند که: مراد از [فِي أَمْرِنَا هَذَا] [فِي دِينِنَا هَذَا] است یعنی در دین ما نباشد.

همچنین امثال بی شمار برای بدعات در مردم ما وجود دارد که نه از قرآن و سنت کدام ثبوت دارد، و نه در قرون ثلاثه برای آن وجود و ثبوت دریافت میشود، مثلاً از نزد خود وظایف شرکی، و او را و خود ساخت درود، و همچنین سلام و غیره.

البته برای برخی از آنها ثبوت در قرآن و سنت است ولیکن اهل بدعت از نزد خود در آن عبادات و صدقات تخصیصات و قیودات اضافه کردند، مثلاً رسم سوم، چهل، سال گرد مرده، و تخصیص خیرات روز پنجشنبه برای ایصال ثواب، التزام ائمه در مساجد بر تلاوت تبارک الذی (سورت ملک) در شب جمعه، و غیره، و یا طریقه و هیئت از نزد خود برای عبادت ایجاد کردن، مثلاً حلقه برای ذکر بالجهر، و بعد از جنازه و از سنت





## امتیاز میان فسق و بدعت

بدعت از عام گناهان دیگر از قبیل دروغ گفتن، قتل، زنا، دزدی، بی‌نمازی، وغیره زیاد قبیح‌تر است زیرا که در صدور گناهان دیگر دین را بذات خود نقصان نمیرسد بجز از همان گناه، و اما بر انجام بدعت در خود دین نقصان کرده میشود، و اصل چهره و شکل و حلیه دین درهم برهم میشود.

زیرا که گناه کردن یعنی کوتاهی در ادای نماز و روزه وغیره، کمی در دین است و بدعت کردن افزونی در دین است، بر کاهش یک چیز از حقیقت بیرون نمیشود، و بر افزونی چیز از حقیقت خود بیرون میشود، بطور مثال نان خورش به کمی نمک و مورچ از استعمال خارج نمیشود، بلکه آن کمی بعداً هم پوره کرده میشود، پس همین هم مثال دین است که به کمی در دین یعنی بسبب عام گناه (اداء نمودن نماز وغیره) دین خراب نمی‌شود، لیکن این کمی بهر حال بی‌بود بخشیده میشود که آن نماز گذار شود، و با وجود این بی‌نماز خود را بر همین کارش گنهکار میدانند، و دیگر طرف مثال بدعت چون زیادت نمک و مورچ است در نان خورش (سالن) که وقتیکه نمک و یا مورچ در سالن اضافه شود آن از حقیقت خود بیرون میشود و قابل استعمال باقی نمی‌ماند، و برای بی‌بود ساختن

این هم هیچ راهی نیست زیرا که در آن بگونه زیادت آمده که برایش هیچ علاج نیست.

همچنین بدعت است که آن در دین زیادت است، برزیادت چیز از حقیقت خود بیرون میشود، و دیگر قباحت این است که بدعتی بدعت خود را گناه نمی شمارد، بلکه به نیت ثواب و دین آنرا انجام میدهد از آن هرگز اراده منع شدن را ندارد، چرا که آنرا دین و ثواب میداند ازین جهت آماده گذاشتن آن هم نیست، و نه درباره توبه کردن از آن هرگز فکری میکند.

قول سفیان ثوری رحمته الله است که:

[البدعة احب الى ابليس من كل المعاصي لان المعاصي يُمّاب عنها ولا يُعاب عن البدعة] (مجالس الابرار، بحواله اصول السنة)

یعنی بدعت بسوی شیطان از تمام گناهان محبوبتر است زیرا که از دیگر گناه توبه گار میشود و اما از بدعت هرگز توبه گار نخواهد شد.

ابن سعد رحمته الله از ابن عطیف رحمته الله نقل کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

[من احدث في الاسلام حدثاً فاقطعوا لسانه] (طبقات الكبرى: ٤٢/٧)

کسیکه در اسلام چیزی نوین ایجاد کرده زبانش را قطع کنید.

بهر صورت بدعت از عام گناهان، گناهی بزرگ و فعل قبیح تر است، بنابراین شریعت از آن منع فرموده. در قرآن مجید ارشاد است که:



﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾  
[المائدة: ٧٧]

ترجمه: بگو ای اهل کتاب از حد مگذرید (یعنی زیاتی مکنید) در دین خود بناحق (یعنی بدعات ایجاد مکنید) و پیروی مکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را، و کجروی کردند از راه راست.

### خُدبَدعات و رسومات مشهور

آن بدعات و رسومات باطله که نه در قرآن و سنت ثابت اند، و نه در قرون ثلاثه وجود داشتند، بلکه در زمان بعدی از نزد خود آنها را ساختند، و یا از نزد خود در عبادات تعیین، و تخصیص، و هیئت و طریقه، و اوقات و جای مقرر کردند، که ثبوت آن از شارع (نبی اکرم ﷺ) دریافت نمیشود، من جمله.

### در مراسم عروسی

در برصغیر خصوصاً در پاکستان و هند در محفل عروسی مختلف رسومات هندوها برپا کرده میشود، مثلاً خینه گرفتند مردان، بر اسب سوار کردن شاه، با دسته جمعی در سراغ عروس رفتن، روی بینک دادن، در دامن عروس فرزند دیگر





انچنين در وقت بردن مرده به گورستان به آواز بلند خواندن کلمه شهادت، پخته کردن قبرها، وبر قبرها اکلیل گل گذاشتن، وبر قبرها افراشتن غلاف وچادرهای منقش بر آیات قرآنی، بر قبرها نقاشی کردن، وبر قبر گذاشتن کتبه وبر آن نوشتن آیات ونام وتاریخ مرده، بلند ساختن قبرها از زمین، وبر قبرها کنبد جور کردن، وبر قبرها چراغ وشمع وعنبر گذاشتن، توشه بردن بر گورستان، وبر قبر آذان دادن، ودر خانه مرده طعام ضیافت تهیه کردن، وبر شتابی دادن صدقه قبل از شام، اجتماع بر قبر در روز سوم، رفتن زنها به گورستان.

انچنين مانند هندوها وعیسویان داشتن این عقیده که روح مرده بر خانه میآید ودر سقف ودیوارهای خانه می نشیند، ونشانیدن حافظ بر قبر برای قرآن خوانی، وبرای ایصال ثواب ختم قرآن کردن به طریقه مروجه، وهمچو مردمان اروپا برای یاد مرده یک دقیقه سکوت نمودن. وغیره.

شیخ القرآن رحمته الله در کتاب خود " اصول السنة " در موقع غم از پنجاه بدعات زیاد شماریده است.

### عام بدعات ورسومات مروجه

ذکر بالجهر، وحلقه ذکر، ودعاء بعداز نماز جنازه وسنت بر هیئت اجتماعی، تشکیل دادن عرس، بنام عید ملاد النبی ص تشکیل دادن یک عید خود ساخته، جلوس کشیدن ذوالجناح،



در محرم تعزیه ساختن، بنام حسن و حسین سبیل جور کردن، و در دهم محرم شربت نوشیدن و نوشانیدن، و در همان روز برای ایصال ثواب نان و غیره پختن، ماتم کردن، و محافل برگذار کردن برای داستانهای دروغ کربلا، و در این ماه ازدواج نکردن، بدفالی گرفتن ماهی صفر و در این رسومات یهود و هندوها را از خود کردن، و در آخری چهارشنبه ماه صفر چوری کردن، تجلیل شبقدر، و در آن چراغ بازی و آتش بازی کردن، و در رمضان خطبه الوداع و از طرف شب بطور اجتماعی شب زنده داری برای عبادت، و در آخری جمعه رمضان ادای قضای عمری، و در ۲۳ رمضان تخصیص کردن تلاوت سورت عنکبوت و سورت روم، و در رمضان برگذاری محافل شبینه (در حدود سه شب ختم قرآن در نماز تراویح).

و همچنین دعوت دادن در ختنه، و در آن بر مختلف رسومات بررسی کردن، و در روزهای عید در مساجد بعد از ادای نماز عید معانقه (بغل کشی) و یا مصافحه کردن، و در عیدها ساد سرود ورقصدن، تجلیل گرفتن گودی پرانی که یکی از سنتهای هندوها است، تجلیل گرفتن روزی بنام اپریل فول که به دروغ گفتن عالمی بی وقوف ساختن، و در پیروی اروپایها تجلیل از روز عشق (یعنی ویلنتائن دی) و نیو ایر نانت (تجلیل شب سال نو) و انچنین دیگر رواجها عام مردم در موقع های خاص مثلاً شب برأت، و رفتن به زیارت قبرها در محرم



وعیدها، واز اسلام خلاف انچنین بی شمار چیزهای است که از کدام کدام آنها یاد آوری کنیم.

در سطور زیر مختصراً بحث از عام بدعات بحواله از کتابهای علمائی دین و خصوصاً علماء دیوبند صورت خواهد گرفت:

### ذکر ودعا

در حقیقت ذکر (یاد الله) و دعا خواستن از جمله بهترین عبادات اند، ارشاد باری تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [احزاب: ٤١]

ترجمه: ای مسلمانان! یاد کنید الله را یاد کردن بسیار.

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [مؤمن: ٦٠]

ترجمه: وگفت پروردگار شما دعا کنید بجناب من تا قبول کنم دعای شما را.

لیکن قابل قبول به دربار الله آن ذکر و دعای است مطابق شریعت و سنت نبی اکرم ﷺ باشد.

و در کدام جائیکه ذکر و دعاء از شریعت و قرآن و سنت ثابت است، و به کدام آداب و شرایطیکه یاد الله و دعاء کردن بکار است بانظر داشت همان شرائط دعاء و ذکر کار ثواب میباشند، و نه بانظر داشت طریقه خود ساخته خود.

ازین جهت الله و رسولش ﷺ برای ذکر و دعاء چند شرائط و آدابی برای ما بیان کردند: ارشاد باری تعالی است:

﴿وَأذْكُر رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ  
بِالْعُدْوَةِ وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ [الاعراف: ٢٠٥]

ترجمه: و یاد کن پروردگار خود را در ضمیر خود بزاری و ترس کاری و یاد کن پروردگار خود را بکلام پست تر از بلند آوازی بامداد و شبانگاه و مباش از غافلان.

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُعْتَدِينَ﴾ [الاعراف:

٥٥]

ترجمه: پرستید پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردمان یقینا او دوست نمیدارد از حد گذرندگان را.

در این آیتها چند شرائط و آداب برای دعاء و ذکر بیان شده که قرار ذیل اند:

(۱) بنا بر عاجزی باشد، (۲) ترس الله متعال در دل باشد، (۳) ذکر و دعاء خفیه و پنهان باشند، (۴) جهراً یعنی بر آواز بلند نباشند.

### ذکر بالجهر

در زمان امروزی عموماً مردم کدام ذکریکه بر آواز بلند میکنند، آنرا جذبه و وجد نام گذاری میکنند، تمام این گونه افعال خلاف شریعت و خلاف قرآن و سنت میباشند، نبی اکرم ﷺ و یارانش رضی الله عنهم و تابعین و تبع تابعین رحمهم الله، بسیار یاد کننده الله بودند ولیکن از یکی از آنها این هم ثابت نیست که آنها بر آواز بلند ذکر کرده باشند، و یا برای اهتمام ذکر



حلقه جور کرده باشند، و یا در هنگام ذکر بر آنان جذبه و وجد آمده باشد.

اگر این طریقه کاری بهتری میبود از آن حضرات فوت نمیشد، که آنان حارص و تشنه ترین مردم بودند در انجام عمل نیک، در حالیکه این طریقه مروجه نه از قرآن ثابت است، و نه در احایث صحیحه کسی نشان دهی کرده میتواند، و نه در زندگی یاران پیغمبر ﷺ و تابعین و تبع تابعین موجود یافته میشود، چگونه اینها امروز دین و ثواب گردیدند، بلکه برای این آگاه شدن بکار است که تمام اینها بدعت و ناهماهنگی است.

ابن همام محمد بن عبدالواحد حنفی رحمته الله می فرماید:  
**[الاصلي في الاذكار، الاخفاء والجهربها بدعة]** (فتح القدير: ١ / ٤٣٠)  
 اصل در اذکار اخفاء (پنهان) است، و جهر بدعت است.  
 شاه اسحاق دهلوی رحمته الله میفرماید:

ذکر جهر در مذهب خفیه بدعت است " (مائة مسائل: ٩٤)

و آنانیکه در هنگام ذکر و تلاوت بر خود جذبه " وجد " طاری میکنند درباره اینها قتاده رحمته الله روز این آیت سورت زمر:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾  
 [الزمر: ٢٣]



**ترجمه:** الله نازل ساخت بهترین سخن کتابی که بعض او مانند دیگرست آیات دوتو موی خیز میشود از شنیدن آن پوست آنانکه میترسند از پروردگار خود بعد از آن نرم میشود پوست اینها و دل اینها نزدیک ذکر الله).

را تلاوت نمود و سپس گفت:

[هَذَا نِعْتٌ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، نَعْتَهُمُ اللَّهُ بِأَنْ تَقْشَعِرَ جُلُودُهُمْ، وَتَبْكِي أَعْيُنُهُمْ، وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ، وَلَمْ يَنْعَتَهُمْ بِذَهَابِ عَقُولِهِمْ وَالغَشْيَانِ عَلَيْهِمْ، إِنَّمَا هَذَا فِي أَهْلِ الْبَدْعِ، وَهَذَا مِنَ الشَّيْطَانِ] (ابن کثر، وروح المعاني)

این صفت اولیاء الله است که الله متعال بیان کرده که: بنا بر ذکر الله موی بدن آنها استاد میشود، (از ترس الله) گریه میکنند، و برین دلهای شان مطمئن میشود، والله متعال صفت شان را چنین بیان نکرده که به ذکر کردن عقل خود را از دست میدهند، و بی هوش میشوند، بلکه این چنین عمل از اهل بدعت است که تمام این کارها از طرف شیطان اند.

علامه شاطبی رحمته الله بعد از بیان مفصل در این مسئله مینویسد: [هَذَا أَكْلُهُ مِنَ الشَّيْطَانِ يَلْعَبُ بِهِمْ وَهَذَا أَكْلُهُ بِدْعَةٌ وَضَلَالَةٌ] (اعتصام: ۱ / ۲۷۹)

همین بی هوشی و وجد و غیره تماش از سوی شیطان اند که با آنها می بازد، و تمام این بدعت و گمراهی اند.

همچنین برای ذکر حقله ساختن و بطور اجتماعی ذکر کردن هم بدعت است، در یک روایت آمده که سیدنا عبد الله بن مسعود رضی الله عنه اطلاع دریافت کرد که در فلان مسجد مردم



بشكل اجتماعي وبه آواز بلند تسييح و تهليل و تكبير ميگويند، آنجناب آمدند تمام ماجرا را به چشم خود مشاهده کردند، پس اين عمل را ترديد کرد، و گفتند: [لقد جئتم ببدعة ظلماء] يقينا شما اتيان بر يك بدعت تاريخي كرديد، كه اين فعل در زمان نبي اكرم ﷺ ديده نميشد.

### دعا بعد از سنت به هيت اجتماعي

چنانچه كه ما قبلاً ياد آور شديد كه دعاء عبادت است، در هر وقت كرده ميشود، در هيچ وقت دعاء خواستن ممانعت ندارد، البته طريقه دعاء همان است كه در شريعت نقل است، و اگر از شريعت آن طريقه نقل نباشد و مردم از نزد خود طريقه سازي كنند وبه نيت دين و ثواب عمل كنند آن بدعت است، چنانچه امامهاي مساجد زمان ما بعد از اداي فرض متصل در همان جاي خود (محراب) دو ركعت سنت را ادا نموده و بعداً بطور اجتماعي التزاماً بعد از سنت دعا ميكنند، و بر آواز بلند الفاظ دعا را ميخوانند، و مقتدي ها آمين ميگويند، بعضي سه مرتبه دعا ميخواهند، و بعضي ديگر طريقه دارند، كه تمام اينها خلاف قرآن و سنت، و بدعت اند.

اول: اينكه اين طريقه هرگز در قرآن و سنت وجود ندارد، و صحابه كرام رضي الله عنهم و تابعين و تبع تابعين چنين عمل نكردند، و از ائمه مجتهدين هم اين عمل ثابت نيست.



دوم: اینکه نبی اکرم ﷺ سنت را در خانه خود اداء میکردند، و صحابه کرام رضی الله عنهم و سلف صالحین رحمهم الله هم بنابر پیروی نبی اکرم هم چنین میکردند (که سنت را در خانه اداء میکردند) مرهنگامیکه آنها سنت را در مسجد ادا نکردند برای دعاء بعد از سنت و باز به هیئت اجتماعی هیچ سوال باقی نماند.

[وَفِي الصُّبْحِ حِينَ صَلَّوْا أَيْهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةُ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ] (ارشاد الساري شرح بخاري ٢ / ٣٤٣)

در صحیح بخاری و مسلم آمده که: نبی ﷺ فرمودند: ای مردم! در خانه های خود نماز اداء کنید زیرا که بهترین نماز انسان آن است که در خانه اداء کرد شود، بجز نماز فرضی.

سوم: نبی ﷺ و فقهای کرام امام را از اداء کردن سنت در مقام فرض منع کردند و آنرا مکروه قرار دادند.

[قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُصَلِّ الْإِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ حَتَّى يَنْكُحَ] (مشکوٰة: ١ / ٨٨)

نبی اکرم ﷺ فرمودند: امام نماز (سنت و نفل) نگذارد در آن مقامیکه فرض را در آن مقام اداء کرده بلکه جایش را تبدیل نماید.

امام علاء الدین کاسانی رحمته الله می فرماید:

[فَيُكْرَهُ لِلْإِمَامِ أَنْ يُصَلِّيَ شَيْئًا مِنَ السُّنَنِ فِي الْمَكَانِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ الْمَكْتُوبَةَ؛ لِإِذَا كَرْنَا فِيهَا تَقَدَّمَ، وَقَدْ رَوَيْنَا عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ { أَيْعُجُزُ

أَحَدُكُمْ إِذَا صَلَّى أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ { (بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع: ٢٨٥/١)

برای امام سنت گذاریدن در مقامیکه در آن فرض را اداء کرده مکروه است، زیراکه ما روایت از نبی ﷺ نقل کردیم که ایشان فرمودند: "آیا شما عاجز میآئید که بعد از ادای نماز (فرضی) برای (سنت و نفل خواندن) پیش و یا پس شوید. در فتاوی عالمگیری چنین نقل است:

[ولا يتطوع في مكان الفريضة لكنه ينحرف يميناً أو يسرة أو يعاخر وان شاء رجع الى البيت يتطوع فيه] (عالمگیری: ٨٨ / ١)

باید امام نفل و سنت نخواند در آن مقامیکه فرض را اداء کرده بلکه بطرف راست و یا چپ گردد و یا عقب بنشیند، و اگر خواست خانه رفته سنت را اداء نماید. اما سرخسی رحمته الله مینویسد:

[ولا يشغل بالتطوع في مكان الفريضة للحديث المروي: { أيعجز أحدكم إذا صلى أن يتقدم أو يتأخر بسبحه أي بتأفئته... ولكنه يحول إلى مكان آخر للتطوع.... والأولى أن يتقدم المقتدي ويتأخر الإمام } (المبسوط: ٣٨/١)]

باید سنت اداء کرده نشود در مقام فرض، زیراکه در حدیث آمده است: "آیا شما عاجز میآئید که بعد از ادای نماز (فرضی) سنت و نفل را بر پیش شدن و یا عقب شدن اداء کند، بلکه امام به دیگر جای نقل شود، و بهتر این است که مقتدی پیش کرده شود و امام عقب بنشیند.



چهارم: نبی اکرم ﷺ بعد از نماز فرضی بر اذکار و دعاء ترغیبات زیادی فرمودند و معمول خود ایشان ﷺ هم همین بوده.

[كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى صَلَاةً أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ] (بخاري: ۱/ ۱۱۷)

چون نبی اکرم ﷺ نماز فرضی را اداء میکردند بسوی ما روی میآوردند.

[عن ابی امامة قال قیل یا رسول الله! أئی الدعاء أسمع قال جَوَّزَ اللَّيْلِ الْأَجْرَ وَدُبَّرَ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَاتِ] (مشکوة: ۱/ ۸۹)

از سیدنا ابوامامه رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسان کرده شد که کدام دعاء بسرعت مورد پذیرائی قرار خواهد گرفت؟ ایشان صلی الله علیه و آله فرمودند: دعای نیم شب و دعاء بعد از نماز فرضی.

[عَنِ الْمُعْبِرِ بْنِ شُعْبَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَقُولُ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا عَطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ] (مشکوة: ۱/ ۸۸)

مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت کرده که: نبی صلی الله علیه و آله همیشه بعد از نمازهای فرضی می گفتند: نیست حاجت پوره کننده بغیر از الله، الله یک است شریک ندارد، پادشاهی از آن اوست و ستایش برای اوست، و الله قادر است بر هر چیزی ای باری خدایا! نیست منع کننده چیزی که تو میدهی، و نیست دهنده چیزی را



که تو منع میکنی، وفایده نمیرساند، در مقابل عذاب تو دولتمند را دولتش.

مفتی کفایت الله دهلوی رحمته الله در کتاب خود " نفائس مرغوبه " به نقل از منهج العمال و العقائد السنیة ذکر میکند که:  
 [ان الدعاء بعد الصلاة المكتوبة مسنون و کذا رفع الیدین و مسح الوجه بعد الفراغ] (نفائس: ۱۲)

بعد از نماز فرضی دعاء کردن مسنون است، وهم بلند کردن دستها و بعد از دعاء امرار دستها به روی هم مسنون است.

**پنجم:** علمای حقه و خصوصاً علمای دیوبند دعای بعد از سنت را به هیئت اجتماعی را بدعت گفته اند.

مولانا مفتی عزیز الرحمن دیوبندی رحمته الله میفرماید:

بعد از سنت و نوافل پابندی مقتدی ها در دعاء به هیئت اجتماعی صحیح نیست، بعد از فرض اگر کسی در خانه سنت و نفل خواندن اراده دارد چرا آنرا برای دعاء به هیئت اجتماعی پابند کره شود.

(فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۴/ ۲۱۲)

مفتی محمود حسن گنوهی رحمته الله مینویسد:

چنین دعاء بعد از سنت به هیئت اجتماعی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و یارانش رضی الله عنهم ثبوت ندارد، بلکه عام سنن را در خانه های خود اداء میکردند، و در مسجد سنت خوانی ایشان به ندرت صورت میگرفت، و فقهاء هم نوشته اند که سنت خواندن در خانه بهتر است.



(فتاوی محمودیه: ۳ / ۵۱)

مفتی کفایت الله دهلوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:

باید دانست که از حدیث و فقه در جای چنین ثابت است که این طریقه که در دعاء کرده میشود بعد از سنن و نوافل به هیئت اجتماعی، (وبعداً مینویسد): و باز اگر برآن لحاظ التزام هم کرده شود چنانچه برخی از اطراف بنظر میخورد، که به این هیئت ضروری شماریدن دعاء و کسیکه چنین عمل نکند مورد تهدید و ملامت قرار گیرد، دیگر در بدعت بودن این هیچ شک و شبهه باقی نمی ماند. (کفایت المفتی: ۳ / ۲۸۸)

مولانا خیر محمد جالندی رحمۃ اللہ علیہ می فرماید:

بعد از سنن و نوافل کدام دعای مروجہ که به هیئت اجتماعی خواسته میشود، این بدعت، و خلاف سنت است، و از نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و یاراناش رضی اللہ عنہم چنین ثابت نیست، بلکه برخلاف این از صحابہ کرام رضی اللہ عنہم دعاء به هیئت اجتماعی هیچ سوال پیدا نمیشود.

(خیر الفتاوی: ۱ / ۵۷۱)

مولانا محمد یوسف لدهیانوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

بعد از سنت نشست امام و مقتدی ها برای دعاء خواستن به شکل اجتماعی صحیح نیست، و اهتمام و التزام این بدعت است، و لفظ بدعت و قتیکه مطلق استعمال شود مراد بدعت سیئه است (آپ کی مسائل او انکاحل: ۲ / ۲۷۴)



علامه ظفر احمد عثمانی رحمۃ اللہ علیہ و حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسند:

(بعد از سنت دعای اجتماعی) بدعت است، برای این هیچ حقیقت نیست، وبالخصوص از جهت التزام و اصرار در بدعت سیئه داخل است.

وبعداً مینویسد: پس متولیان مسجد را براین طریقه مجبور ساختن هرگز جایز نیست، این بالکل خلاف شریعت، بلکه اشاعت بدعت است، که عامل چنین عمل شرعاً مستحق گناهی بزرگ است از جهت ابتداعش.

(امداد الاحکام: ۱ / ۱۷۹)

الغرض: که دعاء برابر است که بعد از فرض باشد و یا بعد از سنن و نوافل، هروقت جواز دارد اما بطور انفرادی، که هر یکی طبق حاجات خود دراز و کوتا از الله متعال حوایج خود را بخواهند، البته دعاء به هیئت اجتماعی و براین التزام و اهتمام مروجہ کردن این را سنت و یا مستحب گفتن جائز نیست بلکه بدعت است.

### حیلة اسقاط

طریقه اصلی و شرعی اسقاط این است که شخصی در سفر و یا بیماری از وی نماز و یا روزه قضا شود، و برای آن وقت میسر نشد برای اداء قضای وی، بلکه در همان سفر و یا بیماری وفات کرد، در اینصورت بر آن نه قضاست و نه کفاره واجبہ،



البته اگر وقت برایش میسر شد ولیکن قضا را واپس نکرد، بعداً وفات کرد، در اینصورت کفاره نمازها و روزه قضای داده میشود، به شرطیکه بر اداء کفاره وصیت کرده باشد، و از سوم بخش ترکه (مال میراث) کفاره آنرا اداء کرده میشود، که در عوض هر نماز و یا و روزه تقریباً دوپاؤ بحساب افغانستان (چیزی افزونتر از دو کیلو) گندم داده میشود، و اگر وصیت نکرده باشد بر وارث هایش اداء کفاره لازم نیست و نه بدون از اجازه وارث ها از آن ترکه اداء کرده میشود، و از آن ترکه در آن یتیم شریک باشد هرگز اداء کرده نمیشود زیرا که اذن (اجازه) طفل معتبر نیست، البته اگر یک از خویشاوندان میت از مال شخصی خود کفاره دهد جایز است و همراهی میت یک نوع احسان است.

و اما حيلة اسقاط که در برخی از مناطق مروج است که عوض از پوره کفاره اندک پول و یا گندم را در بالای قرآن مجید گذاشته و امامها در دائره (مدور) نشسته یکدیگر را هبه و بخشش میکنند، و میگویند که به این طریقه ما این مال قلیل را می افزایشیم، تا که عوض از تمام کفاره وی گردد، در متعلق این مختصراً وضاحت این است که:

یکی اینکه این طریقه از قرآن و سنت و از صحابه کرام رضی الله عنهم و ائمه مجتهدین ثابت نیست - دوم اینکه در این حق یتیمان و وارث های غیر حاضر است. - سوم اینکه در این فدیة هر قضای پوره نیست، - چهارم اینکه این برای همه فقیر



وغنی داده میشود درحالیکه شرط فدیة دادن فقیر است، -  
 پنجم اینکه یک فدیة مکمل برای یک فقیر دادن لازم است  
 ولیکن دراین اسقاط مروج عوض پوره فدیة رقم ده ویا بیست  
 پول داده میشود که قیمت پوره فدیة را پر داخه نمی شود،  
 وعلاوه از اینها هم دیگر مفاسد ونقصانات را دارا است.

مفتی کفایت الله دهلوی رحمته الله علیه مینویسد:

اسقاط مروج بنابر وجوه کثیره ناجایز ومشتمل بر مفاسد  
 زیاد می باشد، ازین جهت گذاشتن این طریقه مروجه واجب  
 است. (کفایت المفتی: ۴ / ۱۷۰)

وبعداً مینویسد که: مروجه حیلۀ اسقاط یقیناً ناجایز وبدعت  
 است. (کفایت المفتی: ۴ / ۱۷۴)

مولانا مفتی عزیز الرحمن صاحب رحمته الله علیه مینویسد: مروجه  
 حیلۀ اسقاط عوام این زمانه بلا شبهه بدعت است، اولاً اینکه  
 اگر این کار خیر می بود نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش رضی الله عنهم براین  
 زیاد حق دار بودند، (که آنها انجامش میدادند) شفقت آنها  
 ازعام مؤمنان زیاد بود، لیکن آنها هرگز این حیلۀ را نکردند،  
 فلهدا از جهت عدم تملیک حقیقی ودیگر مفاسد گذاشتن اش  
 لازم است.

(فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۲ / ۱۷۰)

مولانا خیر محمد جالندهری رحمته الله علیه میفرماید:

مروجه حیلۀ اسقاط بنابر چند وجوه بدعت وناجایز است.

(خیر الفتاوی: ۳ / ۳۱۲)





[عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُحْضَمَنَّ الْقَبْرُ وَأَنْ يُقْعَدَ عَلَيْهِ وَأَنْ يُدْنَى عَلَيْهِ] (مسلم ، مشكوة: ١ / ١٤٨)

از جابر رضي الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله منع فرموده از پختن قبرها، و نشستن بر آنها و از گنبد جور کردن بر آنها.  
 مولانا مفتی محمد شفیع رحمته الله صاحب مینویسد:  
 افراشتن چادر بر قبرها خود هم ناجائز است.

(امدادالمفتیین: ١٩٧)

مولانا ظفر احمد عثمانی رحمته الله می فرماید: بر جنازه افراشتن چادر گل دار در قرون ثلاثه ثابت نیست، و این صریح بدعت است، و بنا بر مشابه با هندوها هم حرام است، و اکیلیل گل گذاشتن بر قبرها هم در زمان صحابه کرام رضی الله عنهم و تابعین ثابت نیست.

(امداد الاحکام: ١ / ١٨٤)

مولانا خیر محمد جالندهری صاحب رحمته الله مینویسد:  
 بر قبر غلاف انداختن ثابت نیست. (خیر الفتاوی: ٣ / ١٦٩)  
 مولانا مفتی محمد شفیع صاحب رحمته الله مینویسد:  
 بر قبرها روشن نمودن شمع خود امر ناجایز است، در حدیث بر آن کسی نفر گفته شده که بر قبرها شمع روشن میکند. (امداد المفتیین: ١٩٣)

حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانوی رحمته الله میفرماید:  
 قبر را زیاد از یک وجب بلند کردن مکروه تحریمی است، پختن قبر و یا زیاد خاک انبار کردن مکروه است.



(بهشتی زیور: ۷۳۰ حصه یازدهم)

مولانا خیر محمد جالندهری رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:

در کتابهای احادیث و فقه منع وارد شده از آبادی ساختن،  
 قبه، و روضه جور کردن بر قبر، و قبرهای اکابرین دیوبند هم  
 بطور عموم ساده و بدون بناء اند، و قبرهای صحابه کرام رضی اللہ عنہم  
 و قبر سید الشهداء حمزه تماماً بدون بناء اند.

(خیر الفتاوی: ۱۸۵ / ۳)

مفتی کفایت الله دهلوی رحمۃ اللہ علیہ صاحب مینویسد:

بلند جور کردن قبرهای، و پخته جور کردن قبرها، و بر قبرها  
 قبه و عمارات جور کردن، غلاف انداختن، چادر افراشتن، نذر  
 پیش کردن، طواف کردن، سجده کردن، تمام این کارها در  
 منکرات شرعی داخل اند، شریعت مقدس اسلامی از این امور  
 بطور صراحت منع فرموده، در احادیث صحیحه از این گونه  
 امور منع وارد شده که شرک اند و یا مفضی الی الشرک.

(کفایت المفتی: ۶۹ / ۴)

## تجلیل عرس و میلاد

در قرآن و سنت هرگز نخواهد دریافت که تجلیل از روز  
 پیدایش یک پیغامبر و یا ولی صورت گرفته باشد، و کسی تا  
 قیام قیامت هم ثابت نخواهد کرد که نبی اکرم وقتی از یوم  
 پیدایش خود (عید میلاد النبی صلی اللہ علیہ وسلم) تجلیل بعمل آورده باشد،  
 و یا از روز پیدایش اولاد، و نواسها و یاران خود رضی اللہ عنہم تجلیل



کرده باشد، و بعد از نبی اکرم ﷺ از یارانش رضی الله عنهم و تابعین، و تبع تابعین رضی الله عنهم هم هرگز تجلیل یوم پیدایش و میلاد ثابت نیست، و نه هر سال انعقاد عرس در روز وفات نبی اکرم ﷺ .  
 مفتی اعظم مولانا رشید احمد گنگوهی رحمته الله می فرماید:  
 این محفل چون در زمانه فخر عالم رحمته الله و در زمانه یارانش رضی الله عنهم و در زمانه تابعین و تبع تابعین و در زمانه مجتهدین رضی الله عنهم نبود، بلکه ایجاد این بعد از ششصد سال یک پادشاه کرده، که آنرا اکثر اهل تاریخ فاسق مینویسند و لهذا این محفل بدعت و ضلالت است، و در باب عدم جواز این صاحب مدخل و غیره علمای سابق نوشته کرده اند، و در این عصر رسائل و فتاوی و زیادی طبع گردیده، دیگر ضرورت دلایل زیاد نیست همقدر کفایت میکند که در خیر القرون هیچ یکی این را انجام ندادند، و اگر از افزونتر مفاصد این خواهان آگاهی هستید فتاوی طولانی را مطلع شوید، (فتاوی رشیدیہ: ۲۵۵)

و باز مینویسد: محفل این مولود مروج بدعت است، و از جهت امور منکرات مکروهی تحریمی است، و در آن قیام هم از جهت خصوصیت بدعت است، و شعر خوانی امردان (پسران بی ریش) از جهت ایجاد فتنه هم مکروه است، و این فاتحه خوانی مروج هم بدعت است، و با وجود این هم مشابه با فعل هندوها است، و مشابهت با غیر ممنوع است. (فتاوی رشیدیہ:



مولانا مفتی کفایت اللہ دہلوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد: انعقاد مجالس میلاد مروجہ بی اصل است. (کفایت المفتی: ۱/ ۱۴۱) میلاد شریف از زمانہ نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بہ صدہا سال بعد ایجاد شدہ، ودر عہد سعود نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ودر زمان یارانہش رضی اللہ عنہم و تابعین و ائمہ مجتہدین رضی اللہ عنہم برای این وجود نیست. (کفایت المفتی: ۱/ ۱۴۴)

و دیگر جا می نگارد:

بنام عید میلاد النبی انعقاد هیچ جلسہ صحیح نیست، البتہ جلسہ برای تبلیغ و بیان سیرت مقدسہ کدام بدی ندارد، برای این ضرورت کدام تاریخ متعین نیست، و خود داری از فضولیات و بدعات امر ضروری است. (کفایت المفتی: ۱/ ۱۴۴)

مولانا مفتی محمد شفیع رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

خواندن و شنیدن ذکر مبارک نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و حالات طیبات ایشان برای مسلمان در تمام امور مدار خیر و برکت است، بلکہ واجب و ضروری است، لیکن در زمانہ موجودہ کدام رسمیکہ بنام محفل میلاد جور شدہ آن مشتمل بر بدعات گوناگون و امور منہی عنہ است، ازین جهت جمہور علمائی امت این را ناجایز گفته اند.

(امداد المفتیین: ۱۷۲)

مفتی اعظم مفتی رشید احمد لدھیانوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد: قیام در محفل میلاد بدعت است، در حدیث ازین بگونہ صاف



ممانعت آمده، بلکه حضور ﷺ در عین زندگی خود یارانش را فرمود که: شما تعظیم مرا برقیام مکنید زیرا که این دستور عجم است که آنها یکدیگر را بر قیام و استاد شدن تعظیم میکنند، انعقاد محفل میلاد در روز مخصوص و آنرا لازمی دانستین، و اهتمام بر تقسیم کردن شکر و غیره تمام این امور شرعاً نا مشروع اند، دیگر اینکه در مجلس اعتقاد حضور نبی اکرم ﷺ شرک است، اگر ازین امور مجلس منزّه باشد، باعث برکت و هدایت است.

(احسن الفتاوی: ۱/ ۳۸۳)

مولانا رشید احمد گنگوهی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید: شرکت در هیچ عرس و مولود صحیح نیست. (رشیدیہ: ۲۵۷)  
 اگر التزام عرس را میکند و یا خیر، بدعت و نا درست است، به تاریخ متعین اجتماع در قبرها گناه است برابر است که دارای دیگر لغویات باشد و یا نه. (فتاوی رشیدیہ: ۲۷۶)  
 مولانا شاه محمد اسحاق دهلوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:

[مقرر ساختن روز عرس جائز نیست، و در تفسیر مظهري مینویسد: (لايجوز ما يفعله الجهال بقبور الاولياء والشهداء من السجود والطواف حولها واتخاذ السرج والمساجد اليها ومن الاجتماع بعد الحول كالاعیاد و یسمونه عرساً) (مسائل اربعین: ۳۸)

جائز نیست تمام آنچه بی خردان میکنند بقبرهای اولیاء کرام و شهداء از قبیل سجده کردن، طواف کردن در اطراف آن،



و مساجد ساختن در آنجا، و اجتماع بعد از سال که آنرا عرس می نامند.

علامه قاضی ثناء الله پانی پتی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

"قبور اولیاء بلند کردن و گنبد بر آن ساختن و عرس و امثال آن و چراغان کردن همه بدعت است بعضی از آن حرام است و بعضی مکروه، پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نرو قمر و سجده کنندگان را لعنت گفته"

(ارشاد الطالیین: ۲۵)

### تعیین روز برای ایصال ثواب

برای ایصال ثواب مرده خیرات و صدقات دادن، و همچنین نفلی عبادات برای ثواب رسانیدن مرده جواز دارد و صحیح است، لیکن که آن کار بنام الله انجام گیرد و ثوابش را برای مرده ببخشد، و اما برای ایصال ثواب مقرر کردن روز، و در خانه مرده برای ضیافت و غیره جمع شدن از نگاه شریعت جائز نیست.

چنانچه برخی از مردم برای ایصال ثواب نبی اکرم صلی الله علیه و آله دوازدهم ربیع الاول را، و برای ایصال ثواب حسنین علیهما السلام دهم محرم را، و برای ایصال ثواب عام مردگان شب اول، و شب جمعه، و سوم، هفته، چهلم و سالگرد، و غیره را اهتمام میکنند، و این را ضروری می شمارند، و برعکس این تمام امور در حقیقت بدعت اند، و در شریعت محمد صلی الله علیه و آله نا جائز، و از طریقۀ هندوهاست، و تصدیق این را یک عالم نو مسلمان (که اول



هندو بود) مولانا عبیدالله سندهی رحمۃ اللہ علیہ در کتاب خود (تحفة الہند: ۹۱) ومؤرخ مشہور البیرونی در کتاب الہند: ۲۷، کردند.

مولانا خلیل احمد سہانپوری رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

کہ این رسم سوم مردہ بطور خاص در ہندوستان است و در دیگر ممالک کسی این را نمی شناسد، این بہ دیدن تیجہ (رسم) ہندوها ساختہ شدہ. (البراہین القاطعۃ: ۱۱۱)

غرض اینکہ ایصال ثواب ہر وقت کردہ میشود، ہرگاہی توان داشتی برای مردہ از سوی خود ثواب رسانیدہ میتوانی و برای ہمین مقصد خیرات و صدقات (بنام اللہ متعال) کردہ میشود، ولیکن برای این از نزد خود تخصیص کردن یک روز، و برای آن نام گذاری کردن از نگاہ شریعت قطعاً ثبوت ندارد، نہ نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و یارانہں چنین کردند و سلف و صالحین و ائمہ مجتہدین، بلکہ آنها تردید این را کردند.

[عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِيِّ قَالَ كُنَّا نَمُرُّ بِالْإِجْتِمَاعِ إِلَى أَهْلِ الْمَيْتِ وَصُنْعَةَ الطَّعَامِ مِنَ النَّيَاحَةِ] (ابن ماجہ: ۱۱۷)

سیدنا جریر بن عبد اللہ میفرماید: کہ ما (صحابہ کرام) اجتماع (جمع شدن) بہ خانہ مردہ را و آمادہ ساختن طعام در خانہ میت را از جملہ نیاحت (ماتم) می شماریدیم.

علامہ ابن امیر الحاج رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:

[أما إصلاح أهل الميت طعاماً و جمع الناس فلم ينقل فيه شيء وهو بدعة

غير مستحب] (مدخل: ۴ / ۲۷۵)



طعام ساختن خانواده میت، و گردهم آمدن مردم در این باب چیزی منقول نیست، بلکه او بدعت غیر مستحب است.

در خلاصه الفتاوی: (۴۲ / ۲) آمده است که:

[ولایباح اتخاذ الضیافة عند ثلاثة ايام لان الضیافة یعد عند السروم]

از طرف خانواده مرده تا به سه روز مهمانی کردن (دیگران را) جائز نیست زیرا که مهمانی در موقع خوشنودی می باشد، (نه در اندوهگین).

علامه شیخ عبدالحق محدث دهلوی رحمته الله مینویسد:

"این اجتماع مخصوص روز سوم و ارتکاب تکلیفات دیگر و صرف اموال

بی وصیت از حق تبارک و تعالی بدعت است و حرام.

(شرح سفر السعادت: ۲۷۳)

مولانا مفتی محمد شفیع دیوبندی رحمته الله در پاسخ یک

سوال مینویسد: غرض این است که قول زید در این باره صحیح است که سوم و دهم چهلم تمام اینها ممنوع و بدعت اند، نان مرده بنابر تفصیل فقهاء مکروه است، و قول بکر بدون دلیل است.

(فتاوی دارالعلوم: ۳۲۴ / ۱)

و در جای دیگری میفرماید: تقسیم نان برادری محض ریا

و حرام است. (۳۲۴ / ۱)

مفتی صاحب در جواب دیگر سوال مینویسد: از عبارت

مذکوره معلوم شد این رسم بدعت است، کننده و خورنده هر دو



گنهگار اند، مرهنگامیکه اینهارا ثواب حاصل نمیشود بلکه بر عکس عذاب داده میشوند، از کجاء برای مرده ثواب رسد.  
 (امداد المفتیین: ۱۶۹)

مولانا مفتی کفایت الله دهلوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:  
 برای اهل میت تا به سه روز چیزی خوردن بکار نیست.  
 (کفایت المفتی: ۱۰۸/۴)

مولانا رشید احمد گنگوهی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:  
 گردهم آمدن دوستان و خویشاوندان در روز وفات مرده و یا روز دوم و یا سوم برای خواندن قرآن و یا کلمه طیبه بدعت و مکروه میباشد و در شرع شریف برای این هیچ اصل نیست. (فتاوی رشیدیہ: ۱۵۴)

کردن بدعات مانند روز سوم و غیره به هیچ گونه درست نیستند، و قانون شریعت است که کدام چیز آمیخته حسن و قبح باشد حکم کرده میشود بر قبح آن و نظر بر حسنش کرده نمیشود. (رشیدیہ ۱۵۶)

خواندن کلمه طیبه و غیره برای مرده بهترین ثواب دارد، ولیکن تخصیص روز سوم این بدعت است و در آن شرکت صحیح نیست. (رشیدیہ: ۱۵۹)

تا به چهل روز رسم نان کردن بدعت است، و نیز ایازدهم هم بدعت است، بدون پابندی و قیودات ایصال ثواب مستحسن است. (رشیدیہ: ۱۶۱)

مولانا عبدالحی لکهنوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

"مقبر رکون روزیوم وغیره بالتحصیس واورا ضروری انگشتین در شریعت  
 محمیه ثابت نیست" (مجموعه الفتاوی: ۳ / ۷۷)

### دعاء بعد از جنازه به هیئت اجتماعی

در زمانه نبی اکرم صلی الله علیه و آله جنازه صورت گرفته، و به ذات  
 اقدس خود شان نماز جنازه را اداء کردند، و بعد از ایشان  
 یارانش (صحابه کرام رضی الله عنهم) و تابعین و تبع تابعین هم نماز  
 جنازه را اداء نمودند، ولیکن از یکی از آنها دعاء بعد از جنازه  
 ثابت نیست، و اگر این کار ثواب می بود این حضرات لازماً  
 می کردندش، و بر ما ضرور نقل میشد، و همین علت است که  
 فقهاء و علمای حق این را بدعت و مکروه گفتند.

علامه سراج الدین حنفی رحمته الله میفرماید:

[اذا فرغ من الصلاة لا يقوم بالدعاء] (فتاوی سراجیه: ۲۳)

چون از نماز جنازه فارغ میشد برای دعای استاد نمیشدند.

علامه ابن نجیم حنفی رحمته الله المعروف به ابو حنیفه ثانی  
 می فرماید:

[ولا یدعوا بعد التسليم] (بحر الرائق: ۲ / ۱۸۳)

بعد از سلام دعاء نباید خواست.

امام ابوبکر بن حامد حنفی رحمته الله مینویسد:

[ان الدعاء بعد صلاة الجنائز مکروه] (محیط باب الجنائز بحواله

دلیل الخیرات: ۴۸)



بعد از نماز جنازه دعاء خواستن مکروه است.

مولانا مفتی کفایت الله دهلوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:

بعد از نماز جنازه متصل با بلند کردن دستها دعاء خواستن از نگاه شریعت مشروع نیست، زیرا که نماز جنازه خودش دعاء است، البته اگر هر یکی بر دل خود بدون بلند نمودن دستها آمرزش میخواهند جایز است، اما اجتماعی دست بلند کردن ودعاء خواستن بدعت است.

(کفایت المفتی: ۴ / ۸۵، ۹۶)

مولانا خیر محمد جالندهری رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:

بعد از نماز جنازه گردهم آمدن دعاء خواستن بدعت است، ودر کتابهای حنفیه هم ازین مخالفت وارد شده است.

(خیر الفتاوی: ۱ / ۵۸۸)

مولانا مفتی عزیز الرحمن دیوبندی در جواب یک سوال چنین فرموده: " برای آن عالم صاحب بعد از نماز جنازه فرمان دادن این که (سه مرتبه الحمد وسورة اخلاص را خوانده برای مرده دعاء نماید) هیچ ضرورت نیست، این از تعامل صحابه کرام وتابعین وتبع تابعین وائمة دین نیست، بلکه نماز جنازه کفایت میکند. **[وَلَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ]**

(عزیز الفتاوی: ۱ / ۱۰۰)

در فتاوی دارالعلوم دیوبند نوشته شده که: بعد از نماز جنازه ثواب خواندن قرآن ویا دعاء خواستن مرده را نمی رسد، زیرا که دعاء بعد از جنازه از مشفق امت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم، خلفای

راشدین و بعد از ایشان دیگر صحابه کرام رضی الله عنهم و از تابعین از یکی آنها ثابت نیست، اگر بعد از جنازه دعاء خواستن بهتر می بود ضرور آن حضرات آنرا میکردند، ازین برای ما هویدا گردید که دعاء بعد از جنازه جائز نیست بلکه [اهابدعة ضلالة] و لیس بعمل صالح

(دارالعلوم دیوبند: ۲/ ۱۱۲)

همچنین برخی از مردم در هنگام بردن جنازه به آواز بلند ذکر میکنند که این هم خلاف شریعت است .

حکیم الامت مولانا اشرف علی تھانوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید: مردمیکه همراه با جنازه روان اند، برای آنها دعاء و یا ذکر کردن بر آواز بلند مکروه است.

(بهشتی زیور: ۹۵)

مولانا مفتی رشید احمد لدھیانوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید: همراهی جنازه جهراً کلمه خواندن بدعت است.

(احسن الفتاوی: ۱/ ۳۳۸)

همراهی جنازه نعت خوانی و یا شعر خوانی نا مشروع و بدعت است، و گذاشتن این لازم است.

(فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۵/ ۲۰۳)

### بدعات و خرافات محرم

در ماهی محرم اکثر مردم در تقلید از اهل تشیع کارهای را انجام میدهند که برای آنها در شریعت هیچ ثبوت نیست، بلکه



تمام اینها بدعات و خرافات اند، مثلاً برخی از مردم این را به نظر شوم می بینند ازین جهت در این ماه نکاح و عروسی و غیره کارهای خوشحالی را نمیکنند.

مفتی رشید احمد لدهیانوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

اهل تشیع از این ماه (محرم) بد فالی میگردند، و علتش این است در نزد آنها شهادت یک کار منحوس و قابیل تقبیح است، زیرا که شهادت حضرت حسین رضی اللہ عنہ در همین ماه صورت گرفته بود، ازین جهت آنها در این ماه هیچ قسم تقریبات و کارهای خوشنودی نکاح و غیره را انجام نمیدهند.

بعداً در این باب مزید چنین مینویسد:

مرهنگامیکه ثابت شد که این ماه دارای برتری و فضیلت است در این کارهای نیک مزید باید کرد، افزایش نکاح و غیره تقریبات خوشنودی درین ماه بهتر است، زیرا که درین ماه عروسی بابرکت است.

(احسن الفتاوی: ۱ / ۳۸۹)

همچنین در این ماه وبالخصوص در دهم محرم نان بخته میشود و تقسیم کرده میشود، وانچنین سطلهای آب و شربت گذاشته میشود، این از رواج های اهل تشیع است و ناجایز است، زیرا که آنها چنین امور را به نیت نذر بنام حسین میکنند، چنانچه در میان مردم عوام براین نام مشهور است که: " نذر خدا، نیاز حسین " درحالیکه بجز الله برای دیگر هر نوع مخلوق نذر کردن صراحتاً حرام و شرک است.



و اگر کسی گوید که ما بنام حسین علیه السلام نذر نمیکنیم بلکه نذر بنام الله می کنیم و ایصال ثواب برای حسین علیه السلام و اهل بیت این هم جائز نیست:

اولاً: اینکه این مشابهت با غیر (اهل تشیع) است که این حرام است.

ثانیاً: کسیکه چنین مدعا دارد در تمام سال حسین علیه السلام و اهل بیت دریادش نبود و صرف در محرم از آنها یاد میکند، در حالیکه برای ایصال ثواب هیچ وقت مقرر نیست بلکه هر وقت کرده میشود، و از نزد خود برای ایصال ثواب ماه و یا دیگر وقت مقرر کردن و تعیین نمودن در شریعت جائز نیست.

ثالثاً: در محرم آشامیدن شربت بر این خیال که حضرت حسین و اهل بیت در حالت تشنگی شهید کرده شده بودند، برای این کدام ثبوت قوی نیست، و اگر بالفرض ثابت هم شود که آنها در حالت تشنگی جام شهادت را نوش کردند، آنها برسیدن جنت (برزخ) سیراب شدند دیگر ضرورت به آب شما باقی نماند، و نه این شربت شما بر آنها میرسد، و همچنین در آن روز مرد وزن با دسته جمعی به گورستان رفتن، و بر قبرها آب پاشی نمودن، و گاه گل کردن، و مرمت کردن قبرها که تمام اینها کارهای خلاف شرع اند.

علاوه بر این جلوس کشی برای تعزیه در همین روز، و ماتم کردن، و بیان واقعه کربلا که دروغ جور کرده شده ابو مخنف



لوط بن يحيى شيعى است، وغيره تمام اينها از اعمال و افعال اهل تشيع اند، و بر تمام اينها علماء حقه ترديد ميکنند. مولانا مفتي رشيد احمد گنگوهي رحمته الله عليه مي فرمايد: براي ايصال ثواب اگر يك انسان بدون قيد تاريخ (بدون تعين وقت) باشد عين ثواب است، اما وقتيکه همراه با تخصيصات و التزامات مروجه باشد اين نادرست و باعث مواخذه ميشود.

(فتاوى رشيديه: ١٦)

تقسيم صدقات به تخصيص اين ايام (در محرم) كردن اگر براي نيت باشد كه درهمين روز داراي ثواب زياد است بدعت ضلاله (گمراه كننده) است، علي هذا تخصيص هر طعام و تخصيص هر روز براي صدقه لغو است.

(فتاوى رشيديه: ١٣٨)

مفتي رشيد احمد لدهيانوي رحمته الله عليه مینويسد:

در ماهي محرم و علي الخصوص در روز نهم، و دهم، و اياز دهم طعام پختن براي ايصال ثواب روح حضرت حسين عليه السلام اين طريقه بلکل غلط است.

بعدا مینويسد: در ايصال از نزد خود قيود گذاشته شده، از جمله تعين صدقه، و تعين ماه، و تعين روز در حالیکه شريعت تعين اين چيزها را نکرده، بلکه شما هر وقتیکه خواستيد صدقه کنيد، و در آزادي که شريعت داده در آن از نزد خود قيودات



و یابندی گذاشتن سخت ترین گناه و بدعت است، بلکه مقابله با شریعت است.

(احسن الفتاوی: ۱ / ۳۹۱، ۳۹۲)

مفتی محمود حسن گنوهی رحمته اللہ علیہ مینویسد:  
مواظبت بر این هم یک امر نا مشروع و غیر ثابت است، زیرا که اگر چه موسم سرما هم باشد اینها شربت مینوشانند، و دارای یک عقیده نادرست دیگر هم میباشد که در متعلق حضرت حسین رضی اللہ عنہ مشهور است که وی در حالت تشنگی شهید کرده شده، و این شربت که نوشانیده شود تشنگی وی را رفع میکند، بر اصلاح چنین عقیده ضرورت است، این شربت بر آنجا نمی رسد، و نه ایشان بر این شربت کدام احتیاجی دارد، الله متعال ایشانرا در جنت نعمتهای اعلی نصیب کرده که این شربت شما در مقابل آن هیچ حیثیت ندارد.

فتاوی محمودیه: ۵ / ۵۶۶)

مولانا خیر محمد جالندهری رحمته اللہ علیہ چنین مینویسد: آب نوشانیدن یک کار ثواب است ولیکن تخصیص ده روز محرم و باقی روزها را گذاشتن این ترحیح بلامرجح و مشابهت با روافض (اهل تشیع) است بنابراین این عمل بدعت و قابل رد است.

خیرالفتاوی: ۱ / ۵۶۹)

مولانا مفتی عزیز الرحمن رحمته اللہ علیہ میفرماید:



شریت و شریینی از جهت رسوم مروجہ تمام شان ناجایز است. (عزیز الفتاوی: ۱۲۷)

شرکت در محفل اهل تشیع و شریینی خوری ہم درست نیست، و مسلمانانیکہ مرتکب چنین کاری شدند آنان گنہکار اند، دوستی با آنها حرام است برابر است تبریائی باشند، یا غیر تبریائی.

(عزیز الفتاوی: ۱۲۶)

مفتی رشید احمد گنگوہی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:  
 در محرم ذکر شہادت حسین رضی اللہ عنہ اگر چہ بر روایات صحیحہ باشد، و یاسبیل نصب کردن، و شربت نوشانیدن، و در سبیل و شربت تعاون مالی کردن و یا شیر نوشانیدن، تمام شان نادرست و بنا بر مشابہت با روافض حرام است.

(فتاوی رشیدیہ: ۱۲۰)

مفتی اعظم ہند مفتی کفایت اللہ دہلوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:  
 برای بیان شہادت انعقاد جلسہ بدعت است، ولی برای وعظ و تذکیر جائز است. (کفایت المفتی: ۱/ ۱۹۶)

مفتی رشید احمد لدھیانوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:  
 در این ماہ ہمرا با دیگر خرافات این ہم است کہ در این ماہ مجالس و جلسات برگذار میشود، و در آن قصہ شہادت شنوانیدہ میشود، و دیگر اینکہ کدام واقعاتیکہ سرازیر کنندہ اشکها اند، و در این ماہ بیان میشوند اکثر آنها غلط اند، شنیدن آنها علاوہ بر این ہم درست نیست، و تسلط اہل تشیع بر



تاریخ، و داخل شدن آن منافقین تقیه باز در صف مسلمانان و اشاعت روایات بی بنیاد، و از جهت غیر معمولی محبت با آل رسول هر داستان مظلومیت را صحیح شماریدن اینها اموری اند که از جهت اینها انکشاف حقیقت ناممکن باقی می ماند، حتی که در کتابهای ظاهری مستند و معتبر اند تفصیل مندرجه قابل اعتماد نیستند، اکثر روایات از جهت تضاد بودن با یکدیگر و خلاف بودن از عقل و اصول شرع، یقیناً غلط اند بلکه سوا از نفس شهادت در تفصیل آن شاید چنین جزئیة هم وجود داشته باشد که بر صحت آن اعتماد کامل کرده شود.

شهید کنندگان جگر گوشه رسول ﷺ (سیدنا حسین رضی الله عنه) بغرض پرده انداختن بر شقاوت خود و مسخ کردن حقیقت بر وضع روایات دروغین از مهارت کامل خویش کار گرفته اند.  
 احسن الفتاوی: ۱ / ۳۹۱، ۳۹۲

مولانا مفتی رشید احمد گنگوهی میفرماید:

یاد آوری شهادت در ده روز محرم از جهت مشابهت با روافض ممنوع است، ماتم (داد فریاد) و نوحه کردن هم حرام است، فی الحدیث "هی عن المرثی" [الحدیث] و بیان روایات خلاف در تمام ابواب حرام است.

(فتاوی رشیدیة: ۱۳۸)

مولانا اشرف علی تھانوی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

کاه گل کردن قبرها و بر آنها آب افشاندن در خیر القرون چنین کارها هیچ ثبوت ندارند، و یاران پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم که دانشمند



ترین امت بودند چنین کار نکردند، و آب افشانیدن یک کار بیهوده و ناجائز است.

(امداد الفتاوی: ۵/ ۲۸۹)

### چوری کردن در آخری چهار شنبه ماه صفر

در برخی از مناطق در آخر چهار شنبه صفر مردم بطور خاص زنان در خانه ها بگونه اهتمام چوری (نان میده در روغن) تیار میکنند، و برخی در آن روز میتائی، حلوا و غیره پخته می کنند، و این را یک کار نیک در خاطر آورده به نیت ثواب تقسیم میکنند، و براین عقیده هم هستند که در این روز نبی اکرم ﷺ صحت یاب شده بود، و امهات المؤمنین بطور شکریه و خوشحالی به نیت صدقه چوری کردند.

حالا اینکه در شریعت اسلامی یعنی در قرآن و سنت، و نیز در عمل صحابه کرام رضی الله عنهم و تابعین و تبع تابعین و ائمه مجتهدین هیچ ثبوت ندارد، بلکه این یک بی اصل و گمراه کن بدعت است.

حقیقت این است که نبی اکرم ﷺ وقتی که بیمار شد آنجناب از آن بیماری صحت یاب نشده بودند بلکه در همان بیماری وفات شدند، در آخری چهار شنبه صفر بیماری آغاز گردیده بوده چنانچه کتابهای سیرت نوشته اند، و براین یهودها خوشحالی خود را آشکار کرده بودند.

مولانا مفتی رشید احمد گنگوهی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:

برای آخری چهار شنبه هیچ اصل نیست بلکه در این روز بیماری آن جناب صلی الله علیه و آله افزایش یافته بود، و یهودی ها ابراز خوشنودی کردند، و این طریقه فعلاً در میان جهال و هندوها رایج شده است.

(فتاوی رشیدیہ: ١٦٩)

سوال: در آخری چهار شنبه صفر اکثر عوام خوشحالی و سرور، و اطعام الطعام میکنند، شرعاً در این باب چیزی ثبوت دارد؟

جواب: شرعاً در این باب چیزی ثابت نیست، این از سخنان جهلاء است.

(فتاوی رشیدیہ: ١٦٣)

مفتی اعظم هند ابوحنیفه ثانی مفتی کفایت الله دهلوی رحمۃ اللہ علیہ در جواب یک سوال در باب چوری مینویسد:

سوال: آخری چهار شنبه ماهی صفر در میان مردم رایج است چنین کار در شریعت جایز است و یا خیر؟ و بر نان فاتحه خواندن جایز است و یا خیر؟

جواب: در متعلق آخر چهار شنبه کدام چیزیکه مشهور است و کدام رسمیکه اداء کرده میشود تمام اینها بی اصل اند. نان در جلو گذاشتن بر آن فاتحه خواندن بی اصل است.

(کفایت المفتی: ١/ ٢٢٧)

مفتی محمود حسن گنگوھی رحمۃ اللہ علیہ مینویسد:



در آخر چهارشنبه صفر تقریبات خوشنودی برگذاری کردن، و میتائی و غیره تقسیم کردن شرعاً بی دلیل است، و در این تاریخ غسل صحت ثابت نیست، البته روایات شدت مرض در مدارج النبوت است، و بعداً مینویسد: این طریقه غلط است و ازین خوداری لازم است، صحت یابی حضور ﷺ در آن روز ثابت نیست، منسوب کردن سخن غلط سخت ترین معصیت است، و علاوه از نیت موافقت، اختیار نمودن طریقه یهود صحیح نیست.

(فتاوی محمودیه: ۴۱۱ / ۱۵)

مفتی اعظم پاکستان مولانا مفتی محمد شفیع رحمۃ اللہ علیہ در فتاوی خود مینویسد:

۱ - سوال: مایان شنیدیم که کشتی حضرت نوح علیه السلام در کوهی جودی بر قرار شد و سپس تمام غله را جمع کرده کچری پخته کرده، این صحیح و یا خیر؟

۲ - سوال: برای آخری چهارشنبه صفر کدام اصل است که ما شنیدیم که در آن روز طبیعت نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم بسا و خیم بود، من در این روز چه باید کردم؟

جواب: هر دو اینها بلکه بی اساس و غلط اند، بلکه در حدیث از اهتمام خاص در ماهی صفر مخالفت وارد است:

[قال عليه الصلاة والسلام: لا هامة ولا صفر]

بزرگترین کار و عبادت مسلمان پیروی از سرور کائنات صلی اللہ علیہ و آله و سلم است و در پیروی کردن لازم است این مسئله را از علماء



مکمل تحقیق کرده شود، که این فعل از نبی اکرم ﷺ ثابت است و یا خیر؟ زیرا که پیروی از سخنان شنیده شده از یکدیگر هم گناه است.

(امداد المفتیین: ۱۰۲۶)

فقیه العصر مفتی رشید احمد لدهیانوی رحمۃ اللہ علیہ میفرماید:  
 سوال: در آخری چهار شنبه صفر بهترین پخت و پز، بهترین خوراک درست است و یا خیر؟ برخی از مردم میگویند که: در همین روز نبی اکرم ﷺ از مرض شان شفاء یاب شده بودند، و در این خوشحالی طعام پخته کردن بکار است، این صحیح و یا نه؟

الجواب: این یک عقیده غلط و بی اساس است، بنابراین این نارواه و گناه است. (احسن الفتاوی: ۱ / ۳۶۰)

### در رجب بدعت طشت

در برخی از مناطق مردم در ماهی رجب در روز بیست و دوم اهتمام از رسم طشت (خانک) میکنند، و این را منسوب به سوئی امام جعفر صادق رحمۃ اللہ علیہ میکنند، و میگویند که: بیست و دوم رجب تاریخ پیدایش و یا وفات امام جعفر صادق است، ازین جهت ما این طشت را اداء میکنیم، در حالیکه بیست و دوم رجب نه تاریخ پیدایش امام جعفر صادق رحمۃ اللہ علیہ است و نه تاریخ وفاتش زیرا که طبق روایات صحیحه تاریخ



ولادت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ ہشتم رمضان سال ۸۰ ویا ۸۲ ہجری است، و تاریخ وفاتش ۱۵ شوال ۱۴۸ ہجری است.

### حقیقت حال

اصل حقیقت این است کہ این رسم طشت را در بیست و دوم رجب و این بدعت را مخالفین و دشمنان صحابہ کرام رضی اللہ عنہم (اہل تشیع و روافض) در خوشنودی از روز وفات کاتب وحی خال المسلمین سیدنا امیر معاویہ رضی اللہ عنہ شروع کرده بودند، زیرا کہ بیست و دوم رجب تاریخ وفات امیر معاویہ رضی اللہ عنہ است چنانچہ البدایہ والنہایہ: ۸/ ۱۴۳ ذکر کردہ.

لیکن اہل تشیع برای پدید ساختن حقیقت اصلی و پرده پوشی بر این رسم، این را منسوب بہ سوی امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ کردند، در بر صغر آغازش بر این شکل شد کہ در سنہ ۱۹۰۶ م ریاست رام پور خورشید احمد مینائی فرزند امیر مینائی لکهنوی از رام پور "داستان عجیب" بنام امام جعفر صادق از نزد خود جور کرد، در میان مردم انتشار کرد، و نواب رام پور بر اشاعت این افسانہ و در ترویج این دل چسپی زیادی از خود نشان دادہ، و مسلمانان سنی مذهب ہم برای خوشحال ساختن نواب بر اہمیت این رسم قائل شدند، و تدریجاً این رسم بر دیگر علاقہ ہا منتشر شد، الغرض اہل تشیع رسم طشت را بنام امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ مسلمانان



سنی مذهب را فریب داده بطور غیر شعوری آنان را در خوشنودی روز وفات سیدنا امیر معاویه رضی اللہ عنہ شریک ساختند، علماء حقه بر این رسم تردید کردند.

حضرت مولانا مفتی رشید احمد گنگوهی رحمۃ اللہ علیہ درباره طشت ورجبی که پشتون ها از وی سوال کردند، در جواب میگوید:

این تعینات بدعت ضلالت اند، در طعام اگر نیت ایصال ثواب باشد، آن طعام مباح و صدقه است، و اگر بنام آن اکابرین کرده شود: در "مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ" داخل، و حرام است.

(فتاوی رشیدیہ: ۱۳۷)

ایصال ثواب بلاقید طعام وایام مندوب است، قید و تخصیص روز و طعام بدعت است، و اگر ایصال ثواب همراه با تخصیص باشد، طعام خراب نمی شود، اگر چه به سبب این تخصیص مرتکب گناه میشود.

(فتاوی رشیدیہ: ۱۳۸)

التزام هردوی این دو امور نا مشروع و بدعت است، و جوهی نا مشروعیتش در "اصلاح الرسوم" براهین قاطعه " درج اند. فقط.

(فتاوی رشیدیہ: ۱۶۱)

مولانا مفتی عزیز الرحمن صاحب رحمۃ اللہ علیہ درباره طشت و کچری محرم در جواب یک سوال مینویسد: " تمام این رسوم بدعت و ضلالت اند، و مرتکب این رسوم بدعتی است،



و در عقب آن اداء نماز مکروه است، و اگر از آن رسوم خوداری نمی کند همایش متارکه لازم است، و اگر در عقایدش به کفر نرسیده باشد، نکاحش منعقد می شود ولیکن کاری خوبی نیست.

(عزیز الفتاوی: ۱۰۷)

مولانا رشید احمد لدهیانوی رحمته اللہ علیہ مینویسد:

مروج رسم طشت را دشمنان یاران پیغمبر، در اظهار خوشحالی بر وفات امیر معاویه رضی اللہ عنہ ایجاد کردند، بیست و دوم رجب تاریخ وفات حضرت معاویه رضی اللہ عنہ است، [طبری، استیعاب] امام جعفر صادق رحمته اللہ علیہ بر بیست و دوم رجب هیچ تعلق ندارد، و نه ۲۲ رجب تاریخ پیدایش وی است و نه تاریخ وفاتش. بلکه جعفر صادق رحمته اللہ علیہ در ۸ رمضان ۸۰ هجری و یا ۸۳ هجری پیدا و در شوال ۱۴۸ هجر وفاتش صورت گرفته است.

ازین معلوم میشود که این رسم را محض برای پرده پوشی بسوی امام جعفر صادق رحمته اللہ علیہ منسوب کرده میشود و درحقیقت برگذاری این تقریب برای اظهار خوشنودی بر وفات امیر معاویه رضی اللہ عنہ کرده میشود، هنگامیکه این رسم ایجاد شد اهل تشیع که مغلوب مسلمانان بودند، آنان براین اهتمام کردند که شرینی را به گونه آشکارا تقسیم کرده نشود تا که راز فاش نشود، بلکه دشمنان امیر معاویه رضی اللہ عنہ بطور خاموشی به خانه های یکدیگر رفته پنهانی شرینی خوری



میکردند و از این رسم تجلیل بعمل می آوردند، و خوشنودی و مسرت خویش را ابراز میکردند، و قتیکه گسترش پیدا کرده این را منسوب بسوی جعفر صادق رضی الله عنه کردند، بر آن لا زام چسپان کردند که ایشان خود در این تاریخ برای فاتحه خود حکم فرمودند، در حالیکه تمام این خود ساخته اند، و بر مسلمانان لازم است هرگز چنین رسومات را بعمل نیارند، بلکه دیگر مردم بر این حقیقت با خبر کنند، و در خوداری از اینها سعی و کوشش نمایند.

(احسن الفتاوی: ۱/ ۱۶۷، فتاوی محمودیه: ۱/ ۲۲۱)

حکیم الامت مولانا اشرف علی تهانوی رضی الله عنه مینویسد:  
 ماهی رجب را عام مردم ماهی روزه مریم هم می نامند، و در روز بیست هفتم این روزه داشتن را امری برتری میدانند، که ثواب هزار روزه حاصل میشود، در شریعت برای این هیچ اصل نیست، هرکسی میخواهد که روزه نفلی اداء کند اختیار دارد، و چیز خواست الله باشد برایش ثواب عطا میکند، و از نزد خود هزار و یا صد هزار مقرر نکند، و در برخی از مناطق درین ماه برای تبرک نان هم پخته میکنند، و این هم از نزد خود ساخته شده است، در شرع برای این هیچ حکم نشده و نه بر این وعده کدام ثواب شده، بنابراین چنین کارها را دین شماریدن گناه است.

(بهشتی زیور: ۳۴۸، حصه ششم)



واز عادات برخی زنان است که آنان در تاریخ بی بی فاطمه زهراء عليها السلام کیر پخته میکنند، و طشتها را پر کرده بر طفلکان می خوراندند، برای ایصال ثواب متعین کردن تاریخ و اشیای غیر ضروری را ضروری دانستن خلاف شرع مبین است، و ثبوت طشتها در شریعت هرگز وجود ندارد.

نظام الفتاوی: ۱۴۷، اغلاط العوام: ۲۱۸)

مفتی کفایت الله دهلوی رحمته الله درباره طشت در جواب یک سوال می فرماید: رسم طشت رسمی است که برای این در شریعت مقدسه هیچ دلیل نیست، لهذا گذاشتن این لازم است ولیکن حقیقتش این نیست که آن خوراک حرام شود، آن خوراک فی ذاته مباح است، البته برای مانعین تشریف بردن بر آن محفل رفتن و تناول آن خوراک مناسب نیست زیرا که براین اقدام هم فی الجمله تأیید از آن رسم کرده میشود، و از جهت خویشاوندی و دوستی هم رفتن بر آن مقام درست نیست، زیرا که این یک نوع مدهانت است.

(کفایت المفتی: ۷۹ / ۹)

## بدعات شعبان

همانند دیگر ماها در این ماه هم بدعات بنظر میآید، که در این مقام ما از چند بدعات و رسومات مخصوص یاد آوری می کنیم.



در ماه شعبان شب پانزدهم را بطور " شب برات " تجلیل کردن، از روی تحقیق پانزدهم شعبان را شب ثواب و خوشنودی دانستن بی اصل است، در شب در مساجد اجتماع کردن، و اهتمام بر شب زنده داری کردن از فرائض افزونتر، و انچنین عقیده داشتن آمدن روح بر خانه، و براین عقیده پخته کردن حلوا که دندان نبی اکرم ﷺ هنگامیکه شهید شده بود آنجناب حلوا خوردند، و این یک حکایت بی بنیاد و خود ساخته است، انچنین آتش بازی و چراغان کردن شب، که با وجود خلاف بودنش از شریعت و دیگر قبایح مشابَهت دارد بر یوالی تهور هندوها، تخصیص این ماه برای ایصال ثواب بدعت است، زیرا که از روی شریعت ایصال ثواب هر وقت و هر ماه کرده میشود، برخی از مردم براین عقیده اند که وقتیکه قبل از پانزدهم شعبان کسی بمیرد تا وقتیکه در پانزدهم شعبان برایش فاتحه کرده نشود آن از زمره مردگان شماریده نمیشود، این بلکل لغو بی اصل است.

برخی از مردم در پانزدهم شعبان ظروف را عوض میکنند، و نیز خانه را گاه گل میکنند، و مرمت میکنند که این بی اصل و با کفار مشابَهت، و حرام کار است. [ماخوذ از اصلاح الرسوم، و احسن الفتاوی و غیره]

بهر حال تمام اینها آن بدعات و رسومات اند که در دین ما هیچ ثبوت ندارند، در زندگی خود آن حضرت ﷺ و یارانشان و سلف صالحین تمام این حالت واقع شده: اندوگین،

و خوشنودی، پیدایش اولاد، و وفاتش، و غیره ولیکن چنین کارها از آنها هیچ ثابت نشده اند.  
 در قرآن مجید و کتب احادیث، و در صحیح تاریخ و سیرت بر فعل آن وجود ندارد، و این خودش ثبوت واضح است بر عدم فعل آنها.

### عدم نقل دلیل عدم فعل است

عدم نقل یک عمل از نبی اکرم ﷺ و یارانش رضی الله عنهم دلیل محکم است بر عدم فعل آنان، و اگر آنان میکردند لازماً برای ما نقل میشد، و میرسید.

در عنایه آمده است که: [وَعَدَهُمُ النَّقْلُ مِنَ النَّبِيِّ ﷺ يَدُلُّ عَلَى عَدْوِهِ فَعَلِهِ]

نقل نه شدن یک کار از نبی اکرم ﷺ دلیل است بر اینکه این کار را نبی اکرم ﷺ انجام نداده.  
 (مجموعه رسائل و مائة مسائل)

ابن کثیر در تفسیر آیت ۱۱ سورت احقاف مینویسد:

[كُلُّ فِعْلٍ وَقَوْلٍ لَمْ يَنْبُتْ عَنِ الصَّحَابَةِ: هُوَ بَدْعٌ] (ابن کثیر)

یعنی هر کار و سخنی که از صحابه کرام رضی الله عنهم ثابت نباشد آن بدعت است.



## فريضةء ما

برای ما من حیث یک مسلمان و امتی نبی آخرالزمان ﷺ از چنین بدعات خوداری کردن و پیروی از سنت نبی اکرم ﷺ و یارانش امر لازمی است، تا که در زیر مصداق این ارشاد نبوی ﷺ قرار گیریم که:

برای خلفای من رحمت الله باد، صحابه کرام پرسیدند: خلفای شما چه کسانی می باشند؟ نبی اکرم ﷺ در پاسخ شان فرمودند:

«أَلْذِمْنِ مُحَمَّدٍ وَنَسْنِئِ وَيَعْلَمُ مَوْتَهَا عِبَادَ اللَّهِ» (جامع بیان العلم وفضله، والابانة الكبرى لابن بطة: ٤١/١)

یعنی آنانی که زنده میدارند سنت مرا و آنرا می آموزانند بندگان الله را.

و نیز ازین بدعای نبی اکرم ﷺ محفوظ می مانیم که آنجناب ﷺ فرمودند:

[إِذَا أُحْدِثَ فِي أُمَّتِي الْبِدْعُ دَسْتِمُ أَصْحَابِي فَلْيُظْهِرُوا الْعَالِمَ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ] [اعتصام]

آنگاه که در امت من بدعات حدوث کند، و به یارانی من ناگوار گوی صورت گیرد، عالم را باید دست که علم خود را ابراز (بیان سنت ورد بدعت و دفاع صحابه را) کند (این بروی



واجب است) پس کسی چنین نکرد پس بر آن است نفرین الله واز فرشتگان، واز مردم تمام شان.

بدون شک عصر امروزی عین همان دور است که از یک سوی اهل تشیع وروافض وپیروان آنها بر یاران پیغمبر ﷺ (که بدون شک معیار دین وایمان ما مسلمانان اند) بدگوی میکنند، وازسوی دیگر بدون تحقیق قسما قسم بدعات ورسومات را جائی گزین سنت کردند، امروز در معاشره ما بگونه گسترش یافته که برای یک انسان عادی امتیاز میان سنت و بدعت امر دشواری است، ترک بدعات و عمل بر سنت در خاطر مردم مترادف لادین جور شده.

خوانندگان محترم! شما در باب بدعات این رساله مختصر را زیر مطالعه قرار دادید، و شما نظر اندازی کنید بر جوانب خود برای شما بسا عبادات و عقاید بنظر خواهد خورد که همراه با شریعت اسلامی ویا باچیزیکه بنام دارای ثواب شماریده میشود واسطه دوری هم ندارند، در جهان نظر اندازی کنید شما بسا چیزهای را تماشا خواهید کرد از دیدن آنها کسانیکه بر معنی حقیقی با اسلام محبت دارند خون اشک می ریزانند.

یکی آن زمان بود که یک مسلمان از جهت فقر ناداری با لباسهایش پینه گذاشته بود، ولیکن لذت از گفتگوش عقائد، عبادات، معاملات، ودر تمام چیزها رنگ نبی خود ﷺ بطور صاف به نظر می آمد، و باوجود خسته حالی خود، دروضع قطع و قول و فعل خود یک مجسمه وقار هویدا میشد، این



وضعیت ساده مگر پرکشش وی فقط بر نفس دیدن دل بینندگان را بی اختیار بسوی اسلام جلب میکرد.

مگر امروز نام مسلمانی دشنام جور شده، امروز اگر دیده شود خود را مسلمان گوینده بر بسیار فخر شکل حلیه خود را همانند یهودی ها و عیسوی ها جور کرده، و عننات هندوها را به خود کسب کرده، و درپیش قبرهای بزرگان سر پست نشسته است، و محافظ یک سلسله بدعات مکروه است با قبرهای آنان، کلمه در میان خود و هندوها هیچ امتیاز کرده نتوانست، کدام کار و یا طریقه و نذریکه هندوها برای دیوها و دیوتاهای خود پیش میکنند بر آنها مسلمانان هم مبتلاء شدند، و شکار کدام اوهامیکه هندوها بودند مسلمانان هم گرفتار همانا شدند، سکها کدام نذرونیازیکه برای غیر الله میانداختند، مسلمانان برکردن تمام آنها در برابر قبرهای اولیاء کرام مصروف اند، بدعت چندان معمولی هم نبود چنانچه که فکر و خیال برخی از دوستها و رفیقاها ماست.

شستن قبرها در دین ما کجاء بود؟، به هرسوی دیده شود یک عجیب طوفان بدتمیزی بر پا است، و معلوم نیست که این عقائد شرکیه و این رسومات خود ساخته کدام وقت و از کجاء بروز کردند، و در ذهن و عقائد مسلمانان پیوست شدند.

در میان شما بسیاری یقیناً چنین هم میباشند که این سخنها در نظرش یک عجیبه و نوین معلوم میشود، که این و آن بدعت است، قبل ازین ما چنین نه خوانده بودیم و نه شنیده



بودیم، از بسا مدت تا حال ما از مولاناها شنیدیم آنان هرگز چنین گفتار نکرده بودند و غیره، و همچنین نگارنده این رساله همراهِ چنین افراد واسطه دارد که بطور مسخره تا به این انداز گفتند که: صاحب! دنیا بر کجاء رسیده و شما مصروف همان یک کلمه استید که: بدعت بدعت و غیره.

براین سلسله مختصراً این عرض است که کاش امت مسلمه دین خود را ضایع کننده وقت نمیدانستند و دنیائی که محض برای ضرورت بود آنرا از هرچیز مهم نمیدانستند، و در دنبال آن چنین چسپان نمی بودند، دشمنان اسلام بر چنین شب خون زدن، و داخل شدن بر امت مسلمه جرأت نمی کردند.

مقصد و مراد ما از دشمنان اسلام یهود و نصاری و هندوها می باشند و نیز آنان که در میان مسلمانان تربیت کرده شده همچو مار آستین اهل روافض و دیگر فرقه های باطله می باشند، که توسط تحریف در تعلیمات نبی اکرم ﷺ شکل و حلیه اصلی اسلام را بی رحمانه خراب کردند، و از او بالا کسر متابقی را خود ما ملاهای مفاد پرست و دین فروش و صرف بنام ملا و پیرهای حامل عقاید زهرآلود و شیطان صفت و مشرک، پوره میکنیم.

بهترین نظام زندگی شریعت را ما بر آنانی حواله کردیم، که اصلی طریقه نبی اکرم ﷺ را از نظر ما پنهان کردند، و چنین عقائد و عبادات در معاشره مسلمانان مروج کردند که در ظاهر میان غیر و مسلمانان عقائد شرکیه، عبادات، شکل



و صورت، عاداتو، رسم و رواج و کلتور کدام فرق خاص محسوس نمیشود، برای شناخت و معرفت مسلمانان بطور نمائنده برای عالم اسلام بر قراری بکار بود، ولیکن (متأسفانه) اینها مسافر دیگر راها شدند.

این را بدانیکه عبادات در شریعت اسلام از مهمترین مقام برخوردار اند، و مسلمان عصر امروزی هم از همین جهت مرده حال و در پستی گرائیده شده که دین داده شده پروردگار خود را و اصل سنت و طریقهٔ محمد ﷺ را گذاشته است، و پیچیدگی را اختیار کرده، بعد از خود کردن طرز و طریقه به پیغمبر خود در عقائد و عبادات بلکه در تمام زندگی، مسلمان چشم به چشم کفار می اندازد و حق خود را بر آنها می قبولاند، در علوم عصری، و تیکننالوجی جدید، و دنیای نوین، بر دیگر ترقی یافته، زور و طاقت خود را قبولانندن، و کردار خود را تعیین کردن، سپس همه چیز در ذیل همین خواهد آمد، مسلمانان امروز از همین جهت پسمانده اند که آنان احکام قرآن و طریقهٔ پیغمبر خود را عقب سر گذاشتند، در حالیکه در از خود کردن تهذیب اروپایان، و هندوها و دیگر کفار یک دقیقه هم بخرچ نرسانیدند.

اگر چنین میبود، یقیناً چنین هست که ابر سیاهی بدعات و رسومات سنت و دین صحیح را پنهان کرده، و نیز برخی از مداهنین از مردم که خود را عالم، مصلح و مبلغ میدانند، بنام مصلحت سکوت اختیار کردند، و از دیگر طرف بحمدہ تعالی





وَاجْرُدْ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
 اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا بِقَبُولِ حَسَنٍ . آمِينَ  
 ابو معاوية محمد آياز حسان درانی پشاورى اشاعتى  
 ٤ صفر ١٤١٩ھ، 6/1/1998م

ترميم و اضافہ: جون 2007م، ربيع الثانى: ١٤٢٨ھ

ترجمة فارسى ربيع الاول ١٤٣٢ھ فرورى 2011ء

مترجم از پشتو به فارسى و کمپوز محمد مجب الله عمار (مضى عنه الغار) دلدر ملا خال محمد

پیشانی راجستانی والکی فاضل جامعہ عربیہ دہ بیرپشاور پاکستان

للہ

Mob:0344-9851128

0300 - 5917318 ونیز



این سعادت بہ زور و بازوی نیست + تا محمد خداى بخشاینده